

بودند حکم به اخراج داده اند -

§ سندات استقراضی راه آهن (تاتسن و یاکو) ه ملیون لیرا زیاد بر اندازة معینه بمصرف در آمده است -

§ خبری از (واشنگتن) رسیده که وزارت داخله دولت روس تکذیب اظهارات نیانده دولت امریکا مذموم (هارین) نموده نیانده مذکور اظهار داشته که امریکا صاحب حق و ترقی خواه دولت چین است - چنین تصور می شود که مجلس شورای وزیرای چین برای استقلال و اختیارات دولت متبوعه خود در منچوریا سعی و جاهد اند -

§ تلگرافی از (واشنگتن) رسیده که (مستر فیشر) قونسل دولت امریکا در (هارین) خدایاتش درباره منچوریای جنوبی بموجب بیانیست که در فوق اظهار شده - و این مسلك برخلاف دولت ژاپون و مظنون است دولت اروپا نماید نیانده دولت امریکا را بنماید -

§ تلگرافی از (ونکووار) رسیده که باشندگان چین انجمنهای عدیده قائم نموده اقدام در اسداد تجارت تریاک نموده و معمولاً از دولت چین طالع اجرای قانون این مسئله هستند -

§ ولیمهد انگلستان و زوجة محترمة ایشان در پاریس غیر رسامه وارد شده و اراده دارند یازده روز در آنجا بسر برند -

§ ولیمهد انگلستان با (پرسیدنت فالبرس) رئیس جمهوری فرانسه ملاقات نمود -

§ (سالفردلوری) در مجلس ملی (کنده) اظهار داشت که (مستر پرودیر) ۳ نفر از افسران اداره بحری را موقتاً معطل داشته بجرم اینکه کیسیون حکومتی آنها را بجرم سازش ملزم نموده ازین رو (مستر گوردو) آیب وزیر بحری استعفا داده است

§ رئیس الوزرای انگلستان مرضش رو باخطاط است - (داکتر برنارد داسن) معالج پادشاه از طرف اعلیحضرت ادورد هفتم بیاداد ایشان رفته -

§ در (نیوکاسل) عمارات جهاز سازی اراده دارند دست از کار بردارند

§ در مجلس شورای ملی (بازیک) در خصوص استقراض والحق (کاکگو) بحث زیاد شد رئیس الوزرای

اظهار داشته که این مسئله اهمیت زیاد دارد و عجله در کار نباید نمود بالاخره تاریخ بیست و نهم اپریل معین گردید

§ از واشنگتن (خبر رسیده) (مستر روت و مستر برنس) معاهده حکمیت و نائی (انگلیس و امریکا) دستخط نموده امریکا همین عنوان عهد نامه با دولت فرانسه و سایر دول اروپا نیز بسته است

§ (مستر اسکوت) در مجلس شورای ملی انگلستان اعلان مستعفی شدن (سرهنگری کبل برمن) رئیس الوزرای انگلستان را نمود و از این امر اظهار تأسف کرد (مستر بالفور) هم اظهار تأسف نمود و مجلس شورای ملی تا تاریخ ۱۴ اپریل تعطیل شد هر يك از اجزای مجلس متأسفند

§ تلگرافی از (نیویارک) رسیده چهار نفر ژاپونی در قونسل خانه امریکا در (مکن) داخل شده ملازمین را مضروب ساخته گمان می رود سابقه کدورتی داشته اند قونسل امریکا حکم به جینی ها نموده ژاپونیان را گرفتار کرده در قونسل خانه ژاپون فرستاده تا کنون در این باره کار روانی جدیدی نه شده است

§ (مستر کنیک) وکیل فرقة مزدوران (کنده) با (لارڈ الکن و مستر مارلی) گفتگو را ختم نموده مظنون است مسئله هجرت هندیان طی یافته - قانونی در این خصوص جاری نمی شود الا اینکه نظمی در هند داده می شود که مانع از هجرت شان باشد

§ شاهزاده ولیمهد انگلستان و زوجة محترمة شان با اتفاق (پرسیدنت فالبرس) در عمارت (السی) عصرانه تناول خواهند نمود

§ مجلس وزیرای روس تبدیل وزیر مختاری (نوکیو) را به سفارت منظور نموده اند

§ (دیوک و دچس آف اورلینس) در قصر (بالیمو) امپراطور و امپراطریس آلمان را ضیافت نموده ، بر بام قصر علم دولت فرانسه منصوب بوده است

اعلان

تاریخ سرچان ملکم مصور که نقشه ایران را هم داراست بطبع اعلی ، کاغذ و خط

ملی خصوصاً این خادم اسلامیت بر احدی پوشیده نیست . خطوط واجهه اداره را اعضای در جواب و تمویل فرمایشات کوتاهی نداشته و ندارد

ولی در مراسلاتیکه راجع به شخص بنده و خودم باید متصدی جواب شوم هرگاه اندکی تعویق افتد امید عفو و انشأ الله حل بر امر دیگر نخواهند نمود (مؤید الاسلام)

(میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون که بوضع شاهنامه نگاشته شده، و دارای ۸۰ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده هرکس خواستگار باشد با اداره جبل المتین کلکته رجوع نماید قیمت در هندوستان سه روپیه ، ایران يك تومان ، اجرت بست به ذمه خریدار است

معاونین و مؤیدین اداره جبل المتین

(ملاحظه نمایند)

بومیه جبل المتین که در طهران اشاعت می شود در سال دوم اوراقتس ضاعف خواهد شد ، و معاونین اداره راست که بذل توجه بدان طرف هم فرمایند برای اطمینان آمان مرض می نایم که این دو اداره راجع با و مسلک هر دو یک است ، نهایت آنکه اقتضای وقت برای آن شعبه مرضی و برای این شعبه بوضع دیگر است و متصدی امور آن اداره بیابنا گرامی برادر ما میباشد که سالها اورا امتحان و تجربه نموده ایم ، لذا با کمال اطمینان و بدون دغدغه خواطر معاونین قلمی این اداره ملی میتوانند رجوع بشعبه بومیه جبل المتین در طهران نموده همه قسم بخابره و مراسم نمایند ، و یقین بدانند چنانچه این اداره حافظ اسرار است او نیز خواهد بود و در تکرار تشاهم بهر قسم دستور العمل بدمند رفتار خواهد شد ،

در مقالات و لوحی که با اداره بومیه طهران می فرستند دو نکته را مراعات نمایند ، اول اقتضای وقت و نیز آزادی قلم را در طهران ملاحظه کنند دیگر اختصار در مقالات که در يك شماره گنجایش درج آن باشد ، و یا مقالات را نوعی بنویسند که قابل تجزیه باشد (مؤید الاسلام)

خوب ، در نمبر ۱۶ و کتوریا رود . کریسن لین ، مازگام ، بمبئی . نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره جبل المتین کلکته بقیمت دوازده روپیه بفروش میرسد ، اجرت بست بر ذمه خریدار است بهر يك از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند ،

نقشه ایران نیز علیحده بقیمت دو روپیه بفروش میرسد

ایضاً

بومیه جبل المتین با مسلک و مشرب پانزده ساله خود در طهران اشاعت می شود ، هرکس در هندوستان طالب باشد در کلکته با اداره جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به (طهران - خیابان لاله زار - اداره بومیه جبل المتین رجوع نماید . قیمت سالانه در ایران - سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فراتال است

اعلان

جلد دوم ابراهیم یک که افراد مانت را بهترین تازیانه غیرت در حب وطن است با کاغذی بسیار اعلی و طبعی خیلی خوب در سیصد و بیست و پنج صفحه بطبع جلد اول کتاب موصوف بر ایسے فروش در اداره موجود است ، این کتاب گویا لازم به معرفی نباشد ، همین قدر کافی است که بگویم این جلد از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است ، هرکس جلد اول او را ملاحظه نموده از مذاق مؤلف و سبک کلام و لطایف طایفه آن بخوبی واقف است ، که در زبان فارسی کتابی با این سبک و سبک نوشته نشده ، قیمت چهار روپیه ، اجرت بست بر ذمه خریدار است

مذرت مخصوص

کثرت مشغله و وضع گرفتاری اعضای این اداره

دکارش يك از دانایان

هنگامیکه قدغن اکید شد که نامه مقدس داخل خاک ایران نشود، باز پادشاه عادل ترقی خواه مظفرالدین شاه همه را میخواند، اکنون که آزادی و حریت است پشاه حالیه میسرساند که بخواند، و اگر میخواند پس قاب مبارکش سخت تر از سخره سهاست که از نمیکند، و یا اینکه تارک دنیاگشته صرف نظر از مملکت و ملت فرموده اند، نمیدانم این خاتمان دین و دولت و این دشمنان سلطنت و این مخربان شریعت چه قدر رسوخ در مزاج پادشاه ما بهمرسانیده که ولی نعمت خود را از جاده مستقیم انحراف داده بهتیه هلاکت افکنده اند، که سی کرور رعیت بمزله اولاد معنوی و پیراهن پادشاهند، فدای مشتی مردمان ممرض بیدین و لامذهب میفرمایند چنانچه در شورش اخیر حاتف و احلاف شده وجه المصلحه جزای مردمان خدا شناس دشمن شریعت، قاتل مات، مخالفان مشروطیت گشت، بجه زودی آن قسمهای مفاظه و آن تعهدات و فرمایشات خسروانه را نیباً منسیا کردند، آیا معلوم نشد سبب این همه بدنامیها و صدور این قدر تلکرافات کجا بودند؟ آیا غیر از این خائنین و مخربین ارکان شریعت و دین بودند؟ که از هر شهر و قری تلکرافات جان بازاه چنانکه در نمره ۲۶ نامه مقدس درج است رسیده،

بخدای لاشربك هنگام خواندن بی اختیار اشك دیده ام بدانم ریخت، ای بیدینان خدا شناس چه شوری بود بریا کردید؟ چه بدنامی بالا آوردید؟ چه قدر وسوسه در دل پادشاه کردید و ناموس سلطنت را بکلی از میان برداشتید؟ که شاه ساده دل را بر این خیال وا داشتید که در بیست و چهار ساعت مجلس را پریشان و اهل مجلس را مغلولاً در زندان نگاه دارند، بعد از آنکه کردید آنچه کردید و همت و شجاعت مات غبور را دیدید که از نزدیک و دور حاضر و غائب صغیر و کبیر اعلی و ادنی عالم و جاهل عجماً جان بکف منظر فرماید، اگر در شاهها ذره از غیرت بودی بعد از فهمیدن خطب و خطای خود لازم بود که از طعنت و شرمندگی خود را هلاک نماید، نه اینکه کلاه بر سر گذاشته بجان مردان داخل شود، هیبست که همه شاهانند صنیع

حضرت خود را بشناسید، مابس بایس زانه شوید، ای نامردان که نه مردید و نه زن،

- (دردا که دواى درد پنهانی ما)
- (افسوس که جاره پریشان ما)
- (در عهد جوی است که پنداشته اند)
- (آبادی خویش را ز ویرانی ما)

ای غمخوار ما، این نمره ۲۷ جگر مرا کباب کرد زیرا که میدانم در وقت نوشتن این مقاله در چه حالت بوده اید

- (بنال بلبل اگر نامنت سر یاریست)
- (که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاریست)

ای مجنون عشق وطن، دو سال است که با شاه و درباریان راز و نیاز کردی، درد ملت را تماماً نوشته علاج درد ایشان دادی، و مضرت استبداد را بیک بیک شمردی و منافع مشروطه را کلهو حقه بیان کردی. خیالات همسایگان را القا نمودی، دست التجا کردی. بدامن شهشاه ایران زدی بکام نرسیدی، خطاب به شاه " شهشاهها - پدر مهربانا - تاجدارا، ایرانیان پناهها - رحم کن - مرحمت فرما - مملکت تو ویران - ملت تو پریشان - بگفته این خائنان منکر - دوست را از دشمن تمیزده - بخدا دشمنان دین و دولت و سلطنت را بدور خود جمع کرده و دوست می انگاری، و دوستان را دشمن میشاری، همه این خائنان دوست نما و انصاف بگویند، پادشاه را رعیت لازم

- (با رعیت صالح کن و زجنگ خصم این نشین)
- (زانکه شاهنشاه عادل را رعیت لشکر است)

شاه را بخدا انصاف است که از سی کرور رعیت دست کشیده بسی نفر نوکر خای اعتماد فرمائید، که عموماً بی علم و بی معرفت از دنیا بخیر - پادشاهها !

- (نیایدت که پریشان بود قواعد ملک)
- (نگاهدار دل مردم از پریشانی)
- (چنانکه طایفه در پناه جاه تو اند)
- (تو در پناه دعا و نیاز ایشان)

شهشاهها !

- (که شه از رعیت بود تاجدار)

پادشاهها !

- (ضرورتست که آحاد را سری باشد)
- (وگرنه ملک نگیرد هیچ گونه نظام)

(بشرط آنکه بداند سر اکابر قوم)

(که بی وجود رعیت مرتبت بی اندام) ،

بجایزه مؤبدالاسلام - اینها را چندین سال است گفتی و نوشتی و تبلیغ کردی غیر از اینکه روز بروز به بیداد افزودند و ساعات بساعت باضمحلال مجلس مقدس ~~کوشیدند~~ ، تا کار بجائی رساندند که ناصرالملک را بدار کشند و شکم درند و کعبه مقصود را هدف گلوله نوب آتش نشان نمایند ، و کلاسیه سی کرور مسلمین را باغله و زنجیر بزدان برند ، خدا یا کشندگان این نقشه مشوم را خار و ذابل و رسوای خس و عام فرما -

مختصراً چنانکه در فصل چهارم معاهده در بین اعضاء مجلس مقدس و سلطان در حضور حجج الاسلام شده این مفیدین و مفضین و مفرضین با تبه و طعنه در اسلامبول دارند ، عسکر عثمانی را بحدود ابراف دعوت نموده که مجلس را برهمزند ، تا اینها جزانه بپند باین معاهده و مصالحه اعطاء و اطاعت نباید کرد ، اگر شیطان رجیم از شیطنت خود توبه نماید باز اینان گمان ندارم که از افعال ناشایست و وسواس خود نادم شوند ، توبه گرگ مرگ است ، اگر خدا نکرده دفعه چهارم بنقض عهد خود مسلم است یا رعیت از دست شاه بدر میرود و یا شاه از دست رعیت مات باین کلام مترجم است

(یا ترا من وفا بیاموزم)

(یا ز تو من جفا بیاموزم)

(یا وفا یا جفا ازین دو یکی)

(یا بیاموز یا بیاموزم)

خلاصه کلام اگر اعلی حضرت طرفدار مجلس و طالب مشروطه میباشید لازم است که دشمنان پارلمنت را که در واقع دشمن خانواده سلطنت اند از جوار سلطنت دور و باکه از خاک پاك ایران مهجور فرمائید ، بعد از تبعید ایشان والله باقه تالله که قسم جلاله زیاده بر این نیست حفظ و حرارت وجوده ببارک اعلی حضرت بمهده رعیت علاقه بگیرد ، بشرط حفظ قانون مشروطات که خود هم گذاشته اند ،

اعلی حضرتنا بذات پاك خدا ، بحق حق و ولی مطلق و برح الطهر مظفرالدین شاه ، که امروز ملت

ایران را عظیم سوگند است ، و بشرف انسانیت و بناموس ایرانیت قسم است ، ~~که~~ این خائنان دشمن سلطنت قاجاریه هستند و اینها را بجز واقفا گفتن و خیال خام خود بختن خیالی نیست ، بوطا جمع کرده بنیامها طبع کرده و نشر نمودند ، نامربوطات و لاطایلات باسم مجاهدین طبع و نشر کردند ، که دل اعلی حضرت را از حریت و آزادی قلم مکدر سازند ، آمانکه میگویند خان در راه استقلال توخواهم داد بخدا دروغ میگویند ، مگر فلان نبود که نخستین در مجلس مقدس اطاقها میکرد و خود را بیوا هم و ترس و نواخت و میگفت ، ناقطره آخرین خون خود را در راه پیشرفت مشروطه نریزم بای بازبس نخواهم گذاشت ، همه آن خود ستائیم بواسطه جلب منافع شخصی بود و قذی که نائل بمرام نشد برعکس ادعای اولی بروز کرد

(خوش بود گر محك نجره آمد همیان)

(ناسیه روی شود هر که دروغش باشد)

کسیکه خون خود را در استقلال مشروطه جاری میکرد و مجلس مشروطه را مدخواست به توبه بپندد ، چه مناسب در حق این گروه سروده

(گروهی چه بك مشت عبرت همیان)

(بکنجی چه گرر بهودان خیر)

(سبك سایه سنگ فرش و غذا هم)

(هنر فتنه و فخر شور و شرف شر)

(جو سانس ناکس جو خنزیر ابر)

(جو یا جوج بجد جو ماجوج بی بر)

(سواران ولی بر عهد زین خارج)

(شجاعان و ایکن بسق و بسافر)

(همه غافل از حکم دین و شریعت)

(همه بچر از خدا و پیغمبر)

(جو دیوان بندی همه بیر و برنا)

(جو غولان وحشی همه ماده و نر)

ای اهل ایران این عمارت بهارستان نالی کعبه در نظر عموم اسلامیانست و ساکنین آن مقدس و عزیز و محترم اند ، حسن توجه عموم ملت اسلام بسوی ~~کعبه~~ آنهارت معلوف چه سالف راضی تواند شد که تا تمهیدات ابلیسانه آنخانه را هدف تبر توب و تنگ نمایند ، مانند حجاج بن یوسف ~~که~~ دویست

و شصت و سه سال قبل با منجیق سنگ بخانه کعبه انداخت. عموم مسلمان هر صبح و مساء توبیح میکنند اورا هیچ فرق در میان اینها نیست چه تفاوت اعمر بن سعد که تیر بجانب حضرت سیدالشهدا علیه السلام انداخت و گفت شاهد باشید که اول من بجنت آغاز کردم. مثل این کلام را نامردی دیگر که با قلمتراش چشم مظلوم را دیده گفت شاهد باشید آن کسی که اول چشم مشروطه طلب را کند من بودم. اگر ظالمهای این طبقه را که در مدت سه روز در میدان توپخانه کرده اند بقلم آورم خواهید داشت که از حزب شیاطین که در میدان کربلا حاضر گشته بودند هیچ فرق ندارند و بایشان همفیده و یکسانند. اگر دست می یافتمند سر حجتی الاسلام آقا سید عبدالله و آقا سید محمد را هم از قفا میبردند و ما و اولاد رسول خدا رحم نمیکردند

چون بعد از مصالحه قرار گذاشته اند که باینها جزا بدهند عوض جزا در خانه های خود با استراحت نشسته تمهید علاجه میکنند. که چگونه این مکان مقدس را شخم کنیم و آب به بندیم. و سی کرور ملت را بخاک سیاه نشانیم. لکن ملت پیچره جنم بره مجازات ایشانست. که بعد از آنکه علمای عظام و فقهای کرام حکم بحارب بودن ایشان دادند از ملاحظه بوعیت درکار است. مختصراً مادامیکه این ایلیسان اسان صورت در پای تخت پیجرات مانند و سزای افعال و کردار شان را ندهند و مقلول نکنند ملت باین صاحب و آشتی اعتماد نخواهند نمود. آنکه بعد از یکسال خواهد شد امروز بشود. سرگ یکروز ناله یکروزه عموم مردم سرگردان. باب تجارت بسته. اعتبار مفقوده هرکس منتظر همان هنگامه است که در او اخر نامه مقدس یاد آوری گشته. روزهای طهران این روزها آزاد نیستند. مجلس این نمیدهد که ما وقع را کما وقع بنویسند. افکار ملت را رضح بیان نمایند. شاهنشاهان ایران مدارا. این خائین اعلیحضرت را مشتبه و اغوا میبایند مثل پادشاهان روس و عثمانی و رعیت را مانند رعایای ایشان اراده بدهند. سهو بزرگ و خطای بزرگ و محض غلط است

اولاً این دو پادشاه هر دو عالتخانه و قانون دارند فقیر و غنی مساویست بیدمحاكمة عدالت حاضر شده مدعی و مدعی علیه هر دو بملوی هم نشسته فصل دعوا بایند

در نای این دو پادشاه در ظاهر و زرای با علم دارند و اگر ارتکاب خیانت کنند پنهان نیست نه برهلا نائماً ایشان خزینة مخصوص دارند که برای حفظ شئونات خود طرح می نمایند. تنها سلطان برای ما مورین حقیقة از جیب خود سه کرور میدهد و آن شیدان راست و یا دروغ هر چه خبر باشد باو میرسانند بول میکشند رابعاً این دو پادشاه لشکر دارند مطیع و فرمان بردار. دویست هزار سواره قزاق جان در راه پادشاه روس شارب میکنند. زیرا که اورا وکیل حضرت عیسی؟ میدانند. و کذا عساکر عثمانی پادشاه را اولوالامر و خلیفه رسول مختار میدانند. و سلطان غیر از مواجب دولتی سالی چند کرور از جیب همیون بایشان انعام واحسان میکنند. بیست هزار نفر در دور سرای سلطنت مشغول قراولی و حرارت پادشاهند. با وجود اینها این دو پادشاه مانند مجرمان محبوسند و اراطاق نمیتوانند بیرون آیند. خواب راحت نمیکنند. و آب گوارا نمی نوشند. سلطان در مدت سی سال یکدانه بیرون نیامده. مثل فرمای اجنبی کوجه و عمارات اسلامبول را ندیده و بالبداست. و حیات این هر دو پادشاه هماره در خطر است. حبسندولی در اطاق زرنگار. وزرا در پی مداخل و دادن امتیارات باجنبی. هر سال یکبار چه از مملکت باجنبی میدهند. مثل مصر و تونس و سلانیک و لرید و - و - و - و اگر چند سال دیگر باین منوال بگذرد قناعت باسلامبول و بورس خواهد کرد. در صورتیکه اعلیحضرت را نه آن عسکر مطیع و نه خزانه بر است این گروه قلیل خائین بچه امید حضرتت را اغوا میکنند.

اعلیحضرتنا نامه مقدس - بلالین مکرر از زبان عموم ملت قسمهای مذهبه یاد کرده که ملت ایران بحیب و شاه پرست و دولتخواهند. میخواهند که اعلیحضرت مانند پادشاه آلمان و انگلس با فراغت خاطر بسیر و شکار تشریف ببرید و ملت در حفظ و حرارت شما جانف و مال درین نماید.

شاهنشاهان چنانکه پادشاه را رعیت لازم است رعیت را هم پادشاه واجب. اگر شما را نخواهند. کی را بجات گزینند

(گس بر کنم دل از تو و بردارم از تو مهر)

(این مهر بر سکه انگنم این دل کجا برم)

پادشاهها - حضرت از ودایع مظفرالدین شاهی ، حفظ آن سلطان رؤف عادل بر عموم ملت فرض است ، این خائنین میگویند که ملت جمهوریت میخواهد ، « هذا بهتان عظیم » ملت ایران اگر علم ندارند شعور دارند ، اولاً هر جا که پادشاه ندارد شرف و ناموس ظاهری ندارد ، ثانیاً در هر دولت و ملت که تاج و تخت هست تولید ایران کرده اند ، ایرانیان ابداً تاج و تخت کین را بصاحب نمیگذارند ، چیزی را که ایرانی اختراع کرده چه گونه او را از اطراف می اندازد و مهمل میگذارد ، در صورتیکه بجهت با شرف بودند چگونه مملکت بشرف شوند ، زیرا هر ملک که تاج و تخت ندارد ملت آن ظاهر ناموس و شرف ندارد ، امر از فلان داغ را رئیس قرار دهند امر از سه سل پسر فلان حیط و فلان کعباش در پیش سلاطین جهان به اعتبار داشته باشند و نه احترام ، صاحب تاج و جمهوریت گشتن آنان بیست ، باید عموم رعیت فرداً فرد علم و بیک عارف عمل و قاضی شوند ، که ابراف را از این روز تا آن وقت معنی راه است

پادشاهها ، اینکه میگویند ایرانی یا از اعضای مجلس آثار نشت شده به تائیت بس بزرگ ، انار نشت یعنی مال مال الله ، نگاه بخواهر و مادر جابر ، و زن خوش صورت بایکدیگر عوض کرده اسمش را مساوات گذارند ، نمودن الله از این کذب و فترا

اعضای مجلس مقدس همه مردمان امین دیندار اکثری عالم و مجتهدین مؤمن وطن دوست با غیرت و ناموس ، جهد ایشان اینست که مال مردم را از آمدی ظلام خدا شناس حفظ و عدال مردم را از آمدی بیگانه حفظ نمایند ، زن رعیت بچاره را فلان امیر زاده نبود ، ملک ملت مظلومه را بحکم علماء سوء بی ملک فلان ظالم هناك تصرف نکنند ، از بیت المال مسلمین فلان سید بدون استحقاق سالی صد هزار تومان اخذ نکنند ، ملت یفرا را فلان صدر اعظم رهن گذاشته برای خود باغ وستان و پارک نسازد ، فلان امیر بی علم نادان بشهرم از خدا نترس مالک رقاب و زرای با علم نجیب نشود ، و فلان شخص مانند ابن سعد بتل ناصر الملک فرمان نهد ، و خائنین هر روز شعبه نیانگیرند ، و پادشاه را منحرف رأی نکنند .

اعلیحضرتا همین اشخاص در پاریس که پدر تاجدارت نشرف داشت دولت فرانسه بشرف اعلیحضرتش عرض لشکر جنگ مغلوبه ما چهل هزار لشکر آواسته ایشان داد ، توپهای سریع آتش در هر دقیقه سی تیر خالی میکرد ، آتش فشانی بود و لشکر ما آن جلالی و جابکدستی مشغول محاربه بودند ، بنده نگارنده استاده بودم ، امیر بهادر بشرمانه گفت ، قربان اسر شما با دویت سوار قراجه دانی همه اینها را مغلوب می بایم ، آن کان شرم و حیا و آن پادشاه مهربان نگاه کنی کرده نسیم فرمودند ، مسلم است که به اعلیحضرت هم گفته بود ، که ما صد سوار مجلس را نار و مار میبکیم ، قربات اردم بکدغه ازین امیر بهادر سؤال فرمائید که شوئتر در کدام سمت واقع گشته ، اگر گفت خیال ایران مداری که در سر دارد او را هم میتواند احرا نماید ، و سؤال بایند اسم پادشاه پرتغال با رعیت بومان چه قدر است ، غیر از اینکه اظهار سر زمین زند کاری می ندارد مرد نماز گذار فاعل قتل مؤمنین نمیشود حال آنکه خداوند ظالم می نماید من قتل مؤمناناً متعمداً فجزاؤه جهنم جلداً لهم ، این شخص سب قتل هزاران نفس زکیه کشته ، آیا کسی که با خالق و ولی نعمت حقیقی خود این نوع خیانت کند با این نعمت بجاری چها خواهد کرد ؟ این مرد شخبط غیر از اینکه مرده و زنده حنا را خوب میشناسد دیگر از هیچ چیز سر در نمی آرد ، عوام کالام است و بهادری خود را بر رعیت مظلوم خوب ایشان میدهد کدام جنگ را بلد است که وزیر لشکر باشد

(گربه شیر است در گرفتن موش)
(ایک موش است در مصاف بانگ)

چندی قبل در میان سیرر آقا و طاهر خان کرد حاکم قراغینی اختلاف و محاربه بود ، مظفرالدین شاه مرحوم ولیعهد بود از تبریز همین بهادر را فرستاد که برود ماکوین آنها را اصلاح نماید ، تا به طوی رفته بود ، از ترسش نتوانسته بود از طوی حرکت کند ، سوار هایش در بازار طوی بنای تاراج گذاشته نتوانسته آنها را آرام نماید ، لالن با تزویر و شیطنت در هرواق پادشاه جوان راه یافته هر روز یک نوع نیرنگ میبازد و میگوید ملت ایران جاهلند ، قابل

تشکیل مجلس پارلمنت نیستند .

پادشاهها ایران مدارا دوست فکر فرما ! ششصد و پنجاه سال پیش دو میان مات انگلیس ده نفر جهان عالم که اکنون اعلیحضرت هزاران دارید نبود ، بود از قبول کردن مشروطه ترقی کرده باین مهسام عالی رسیدند چهل سال پیش ازین در میان مات ژاپون پنج نفر جهان عالم که اکنون در مجلس ایران نشسته اند نبود ، بعد از قبول کردن مشروطه مکاتب تاسیس کردند ، بی مخصوص علم رفتند که در این مدت قابل مشار بالبنان گشتند و انگشت طالی را در دزدان حیرت گذاشتند ، حالما گیریم که باین حالت ماندم ، میرزا علی اصغر خان آتابک دیگر آمد سه سال دیگر صدارت کرد چه عمر خواهد داد ، و در ازین نایب الساطنه نایب الساطنه دیگر آمد وزارت جنگ نمود ، آیا لشکری ستر ازین فراهم خواهد نمود ، و بعد از پنجاه سال دیگر میرهادر دیگر برآید ازین عالم خواهد شد و بعد از مرگ این رفیع لدوله ارزل لدوله دیگر خواهد شد ، مانند ابرار این حواری تر و ذاری تر خواهد نمود ، و ناموس دولت و کت را این بیشتر خواهد بود ، و اعتبار و ناموس برابر ازین کمتر خواهد کرد . پادشاه رعیت پرور ، دسایس این خود غرضان و مستبدین را التفات فرما ، وقت خیلی ننگ است ، دیگران زیاده مهلت نخواهند داد ، در دولت مشروطه کسی حق مداخله بداخله آنها ندارد .

پادشاهها امیدگها ، این امرای خود غرض که اعلیحضرت را برای پیش بردن مقاصد خود آلات کرده اند اعتماد فرما ، بخدای لاشریک سوگند در مات ایران اشخاص قابل کابل هستند نه ده نه صد هزار ها که مثل بسارک و کلا دستون و ارف کار و عامل عمل ، و پنجاه نفر جبریده نویس داریم که جیب خلی و مغز بر که ستر از صدر اعظم عثمانی و روسند ، الکلام صفت المنکلم از ناصبه ایشان واضح و لایح است که از پیش ویس خبر میدهند ، در مدت دو سال چه کار های سترگ کردند چه سان راه صدساله را در دو سال رفتند ، بدینا عقل و درایت خود را ثابت کردند

(نگار من که بمکتب زفت و خط نوشت)

(بنمونه مسئله آموز صد مدرس شد)

هو بوتیک دانی و دیانت و شاه برستی ایشان اینقدر

کافیست که تا حال با وجود مفسدان داخله و خارجه نه دامن زبان نایره فساداند بآب تدبیر خوا موش کرده اند . الا بارسال مکتب برانمه ، فراسه ۱۹۰۸ سال پیش شده بود ، وساطات محرکشته بود ، گذشته ازین مشروطه شدن برای مسامین صحت نیست ، مشروطه من اساس مذهب ماست ، که حضرت ختم رسل داشته ، خدا کتاب قانون فرستاده که در است زعالت و مساوات (اعدلوا هو قریب الیوی) (الخالمؤمنون حیوة فاسلحوا بین انوکم) باری جیسا که اعلیحضرت فرمودند معنی ما معنی ما میگویم مبدعوارم که اعلیحضرت همایونی هم آن معرین که وجود ایشان رسم قتل مصر و نوده بر است از حوار سلطنت طرد و نیاید فرماید و نوحه ، محول رعیت و مات فرموده تلافی مافات شود که در تنگ و عقب ماندن برای ما سگ است .

(کینه بکه در روح آمده است نه مطوف)

(تویز نکدر ازین شکرمها که مات و داشت)

درد دل

حون امروز در این مکتب علم آراد نیست ، بلکه آنها هم خواهد بود و اسی قدرت اطمینان رأی و عقیده خود را ندارد ما جارم زایکه بیان حال ، حقیقت امر را بحضور عالی عرض کنیم ، اوضاع مکتب و امراض ملت و دولت بخدی مخوف مینماید که ابدآ امید اصلاح نمیتوان داشت غصه شما را پیش از همه میخورم ، که زحمت بازده ساله و خون دل خوردنهای این مدت دارد نتیجه بر عکس میبخشد ، نمیدانم از کدام درد بنالم ، خرابی مملکت ، هجوم دشمن ، فشار رقیبین ، اغراض دولتیان ، افساد ملتدیان ، خلاف آراء ، کثرت ففاق ، عدم اتفاق ، زیادی حرف ، بودن فعل ، هر طرف که نگاه میکنم چیزی که بخوبی می رسد استهلال مملکت و آنچه قریب می نمایند شمهلال مات ، از همه بدتر اغراض شخصی و سوء ظن بجا است ، که هر روز مسئله را طرح کرده بجزره را زیر رکاب میکشند ، صد هزار درجه از زمان استبداد پارتیهای میشومه بیشتر است ، آنچه غرض از تاسیس مجمن و بدست آوردن نتیجه اجتماعت بعض در انجمنهای طهران منظور نیست ، هر کدام در یک خط سیر میکنند غیر از خط دیگری ، هر کس یک

باین ملت غبور ایران) و رانی ~~که~~ داده این (که
 سکری حقوق طوائف ساطق را باید شمراد .
 ذل السلطان و باب السلطنه منجمل شود) در تمام
 بیست ماه جز این دو حله بی راه مهر خوشی بر لب
 مده و هیچ گونه اطهاری نکرده است وای از زیر
 دستان ما این حال نمیشود بک که درباره ایشان جسارت
 کرد یعنی نسبت مخطای رأی داد اطاف اجاست که حره
 قانون اساسی میباشد که هر کس آزاد است در طبر
 دولت و مات آنچه میداند بگوید یا بسوسد ، تا کنون که
 کسی جرئت نکرده مطابق این قانون اطهاری کند و
 این نکته منحصر بکلا ندارد چون ملاحظه شخصی
 در کار است رجال و امرا هم که از قدیم باین مرض
 مبتلا بوده بدتر از سایرین اند مثلا فلان وزیر وزارت
 علوم یا عدلیه یا غیره را بهمه میگردد اگر یک وکیل
 یا یکی از ابناء ملت ابراد ~~کنند~~ یا شکایت از عدم
 همراهیش نماید و حق گفته باشد نازهم فوری میرنجد
 و مثل ساقی نکار نرسیده دل سرد میشود این رنجش
 از حرف و فرض و خصومت از بیان عقیده بلا نیست
 عمومی که همه مبتلاند و تا رفع نشود هیچ چیز ما
 اصلاح نخواهد شد کسی را که ما بدیم در این مدت
 تا درجه از حرف فرجید و هر چه در حقش گفتند
 عرض نیافت و ارکار خود کوتاهی نکرد مستوفی الممالک
 بود که در این مدت که وزارت جنگ را بهمه داشت
 چه در بعضی حراید و چه در بعضی مجالس هر چه
 درباره اش گفتند و نوشتند که دست نشانده فلانست و
 همراه نیست حق بدگوئی و بی مزگی هم کردند چه از
 راه عرض و چه از عدم معرفت و اشتباه با وجود
 این ابدأ فرقی بحال او دیده شد و با کمال دلگرمی
 مشمول خدمت خود بود و نهایت صداقت را در خدمت
 بدولت و مات بخرج داد خدمت خیر خواهانرا باید
 منظور داشت ، غیر از این مرد ما ندیدیم ، این صفت
 ستوده را بروز دهد دیگران با اینکه خیلی از خود
 راضی بوده و هستند باین امراض هم مبتلاند

دیگر از حیوانات عمده مملکت ما اینست که مثلا من
 و فلان با یکدیگر کمال خصوصیت را داریم هر دو
 از مراتب علم و هنر یکدیگر بنایت مستحضریم و میدانیم
 که هر دو هیچ نمیدانیم و در قههی امتیازی از یکدیگر

نداریم دیگران هم تا اندازه ما را میشناسند دو روز
 بعد رفیق من از خطای طبیعت یا بقوک عوام از بخت
 پشمور وکیل یا وزیر و امیر میشود بدون ملاحظه
 سابقه فوراً حق بدوستان خود میگوید باید یقین حاصل
 کنید در حق من که حالا دیگر همه شب روح القدس
 بن نارل میشود دارای علم لدنی شده ام و مؤبد من
 عنداقه هستم هر چه میگویم و میکنم تمام الهامات و
 مطابق حقیقت است خود را عقل کل میفهمد و هیچ
 کس را قابل استشاره میداند و صاحب عقل نمیشمارد ،
 هر چه رفیق دیرینه ش فریاد زند مردم من و این
 جناب هر دو درس از یک کتاب خوانده و از یک سر
 چشمه آب خورده و شاگرد یک مدرسه بوده ایم
 هر دو چیزی نمیدانیم نه خود اعنا و نه دیگران اعتماد
 خواهند کرد ، اگر در جریده بنویسد که آقا
 دارای تمام مراتب علم و عمل و از دانایان نمره اول
 است ، ولی در این موضوع باین دلیل حطا رفته از هزار
 طرف بر او حمله می شود که آخوند (عقی حقی)
 ترا چه باین فضولها با که هزار خطر جانی هم برای
 او پیش می آید ولی در ممالک منمده با آنها مردمان
 با علم و سیاست و صاحبان تجربه و دانش که دخیل
 در کار میکنند اگر یک مسئله مهمی روی دهد یا
 بخواهند یکی از مواد منازع فیه را در مملکت سمت
 قانونیت بخشند در تمام حراید اعلان میکنند تا افراد
 مات دانسته ودقت نموده آنچه بفانشان میرسد اظهار
 کنند و مساله تنقیح و تصحیح شده باوایی امور
 و وکلای جمهور میرسد شما به بنید در این دو سال
 مشروطیت یک مسئله مهمی یا یک مواد قانونی قبل
 از وقت در یک روزنامه درج شده و از ملت تکلیف
 خواسته اند ؟ یا نه اگر بگویم قانونی در بین نیامده
 اینهمه قرائت قانون و مباحثات طویل در تصحیح و
 تنقیح چیست ؟ اگر بگویم مسئله مهمی روی نداده
 مسئله از امتیاز بانک آلمان مهمتر که روس وانگلیس
 را وا دار و مجبور نمود از کم فرصتی و خوف پیدا
 شدن شریک ثالث مملکت ما را میان گذاشته تقسیم کنند
 آیا در قبول این امتیاز چه صلاحی برای این
 دولت و ملت دیده بودند عیب هاست که عرض کردم
 اولیای امور بدون استئنا جز خود کیرا صاحب

عقل و غیر نمیدانند، خود را عقل کل و ملت را وحشی صرف دانسته هر چه میخواهند میکنند، کدام بد بختی ازین بالاتر است که وکلا هم موکلین خود را جاهل دانسته خویشین را لاهوتی جلوه بدهند، هیچ کس را بفرمایند که ممکن است شخص جاهل و اطلاعی هم در یکمستأه از مسائل رأیس صحیح تر از عقلا باشد

(که بود کز حکیم روشن رای)
 (بر نیاید درست تدبیریه)
 (گاه باشد که کودک نادان)
 (بظلم بر هدف زند تیریه)

از این سبب خود را مختار مطابق دانسته دیگرانم هر چه میخواهند از درباریان و وزرا در حق ما می کنند بخود عهد نامه روس و انگلیس را همه نکذشتند نمی نبود از ایشان مواخذه کنند. والله بعدام هنوز بخندم یا بگریم، بر سخاوت رأی و عقل آوزیری که خود را اول دانشمند ایران بلکه دنیا میداد در پارلمان حضور هزارفر گفت (اگر ما امشب از وزارت استعفا دهیم فردا این مملکت طراب و از دست خواهد رفت) - ازم برنس بساگ آلمانی را که از حسن کفایت و تدبیرش مملکت ضعیف ملوک الطوائفی آلمان را بجای رساند که یکی از اول دوله با قدرت دنیا شد مع ذلک چنین حرفی نزد و چنین اعتقادی در حق خود نداشت، وقتیکه استعفاء هم داد ذره از جبروت و سطوت دولت آلمان نکاست، ولی وزرای با تدبیر ما که تا کنون جنم سرغبرا کورنگ کرده، چه قدر از خود راضی و چه اعتقادی در حق خویش دارند

بگریم راییه اینکه ما ملت ایران از بد بختی در دوره واقع شده ایم که وزره ما دانش مان اینسانند و اعتقاد شان اینست که حیات ملت و دوام مملکت و بقاء سلطنت بسته بوجود ایشانست، که اگر نترانند یا دو روز دخیل کار نشوند عالم زبر و زبر خواهد شد آیا با این حال و این رجال ما روی سعادت و نیک بختی حواهم دید ؟ ، ذقه مگر از لطف خداوند دری بکشاید اینکه در اول مهله عرض کردم غم آزد نیست تشریح لارم دارد، در اظهار رأی و صلاح جوش دوات و ملت و حق گوی آزاد نیست، ولی در محض نویسی و بد گوی و کلمات مسخرگی و استهزا هم بافتن و گفتن

نهایت آزاد است، هر روز بنوعی از بزرگان مملکت بد گفتن، حق در حق ، شخص اول مملکت جسارت و یاوه گویی کردن ، و آنرا بر سر خانی و حاجت و داشتن، و اخلاق ملت را فاسد کردن، و شورش در مملکت انداختن شیوه بعضی از ارباب قلم داخلی خاصه پایتختی ماست، فحش و دشنام و مطالب لغو و هتک عرض و آبروی خلق را نوشته اسمش را روزنامه میکنند ملامت هم عوض جلوگیری از جهالت ترویج می کنند مختصر اوضاع مملکت عاقبت و خبمی را پیش خواهد کشید انقلابات اطراف و عدم امنیت و شدت ظلم و طغیان لارم بشرح و بیان نیست ، از جراید بومیه و دیگران میزان بدست می آید، فقط این روزها چیزیکه امید آسایش عباد و آرامش بلاد و جبران شکستگمای پیش را میدهر فقط رأیت و عطوفت شخص پادشاه است نسبت به ملت و رعیت شاه پرست خود که تفصیل آن را نیز بقرائت حراید ملیه و آگذار بیکلم ، امید که این اتفاق دولت و مات و همراهی با یکدیگر قائم و برقرار و بر دوام ماند

(میرزا حسن نامی)

ترجمه پتی ژورنال

پاریس ۱۰ مارس

معلومات متفرقه ، شورش در ایران ، صحبت شیخ سعدی ، کنج پادشاهان ، بد رفتاری حکومت زیادی حاکم ، و کمی عدالت ، اصلاحات ، سوء قصد ، اسباب آن ، نارنجک ها پیش از وقت انفجار شده بود

پادشاه را لارم است غالباً اصابع شعرا را بشوند و بکار بندند ، یکی از مهم ترین رسایای اخلاقیه حاضر معروف شیخ سعدی که تقریباً شش صد و پنجاه سال قبل به الملک شیراز (ابوبکر پسر سعد) عموده و بایستی پادشاه ن اخیر ایران را محل تأمل و طایفه استفاده باشد آنست ، که میگوبد ،

وظیفه پادشاهان نگاهداری و پرستاری رهبت است ، و براسیے ناید این معنی داستان ذیل را حکایت میکنند (بجای ترجمه نوشتن عین اشعار شیخ را مناسب تر دید)

ناید شده که فرط ده داد گر
 قبا دانتی هر دو رو آستر *
 نیک گفتش ای خسرو نیک روز
 ز دیبایی جیتی قبائی دوز *
 نایب این قدر ستر و آسایشست
 جوزین بگذری زب و آرایشست *
 نه زهر آت می ستام خراج
 که زبیت کنم بر خود و نخت و تاج *
 نایب اگر چون زمان حله بر تن کم
 مردی که دفع دشمن حکم *
 نایب مرا هم زسدگونه آز و هواست
 و ایکی نه تنها خزینه مراست *
 نایب خزاین پر از بهر لشکر بود
 از بهر آیین و زیور بود *
 نایب سپاهی که طوشدل نباشد ز شاه
 ندارد حدود ولایت نگاه *
 نایب جو دشمن خرد و ستانی برد
 ملک باج ده یک جرا به خرد *
 نایب مخالف طرش بر دوسلطان خراج
 چه دولت باید در آن نخت و تاج *
 نایب مروت نباشد بر افتاده دور
 مرد مرغ دون دانه از پیش مور *
 نایب رعیت درختست اگر بروری
 بکام دل دوستان بر طوری *
 نایب بریحی از بدخ و بدش مکن
 که نادان کند حیف و خویشتن *

ناصرالدین شاه و مضرالدین شاه این بند های
 دانشمندان را چون گوش دادند، برای پادشاه حالبه
 این همه مشکلات تدارک کردند، که باید متصل در زد
 و خورد باشد، حضرات بسنت سابقین بدون حساب
 طرح و بنت سر هم حقیق دیوانی افزودند، و آنچه
 گرفتند همه را صرف خوشگذرانی و مجملات سلطنتی
 خود نمودند، منابع مالیات مخارج مشتهیات را کافی نیامد،
 قریب یکصد و بیجا مایون فرک از خارجه قرض
 کردند، که هفتاد و بیج مایون از آن راجع بدولت
 روس است، قسمت عمده این بول صرف مسافرت های
 متعدده ایشان شد، بدون اینکه مان و نمکت را قاید

طاید شود، حال آنکه ممکن بود وجود مذکور را بامور
 لایمه صرف کرده و برای کامرانی و گردش فرنگستان
 بجزایه خاص خود دست بزنند، این خزانه که در شیب
 زمین های سرای دواتی بنهان است حقیقتاً زیاد و در
 دوره اخیر خیلی روی هم جمع شده، و انبار مایونها
 زر و سیم است که مسکوک و تقسیم شمش بحد و حصر
 در آنجا موجود و سر بسته و با بانان شب و روز
 در اطراف آن پاسبانی میکنند، شبانهگاه خاصه پادشاه
 هم رفراز آن مخزن هست

گذشته ازین ثروت که سر عالیار میزند در سرای پادشاهی
 گنجی بزرگتر و مهمتری دیگر هست که بر است از الماس
 و مروارید و یاقوت و زمرد میان این گوهرهای گرانبها
 از همه برتر و ممتاز تر یارچه الماس است که در خشنکی و
 لعاشش اورا (در بای نور) نامیده و زبنت این جواهرات
 شاه یک (کوه مصنوعه) است از زرناب بقطر نشت
 سائیم ر قطب نهان گرفته ناطف جنوب تماماً مرصع
 اسامی بای نخت ها بخط فارسی با الماس سحت هند
 بالان فروزیده، قطعه انریک ما یاقوت های ارزنده،
 جزایر بریطانیا با الماس های خوش آب و دریاها با
 زمردهای بسیار ممتاز نشان داده شده، علاوه برین ها
 یک نخت بیژل و ماشدی از مرمر موسوم نخت طووس
 هست که رفراز آن صورت آفتاب را از طلائی
 خالص ص کرده و با سنگ های گران بها بقسمی
 ترصیع نموده اند که دیده را خیره میکند و زیر آن
 رخشندگی ها بر است با تصاویر خیدر که بر و بال و
 تمام اعضایشان با احجار دقیمت مرصع شده، فرش
 روی آن و بالاش ها هم زرافت و مروارید دوز میباشد،
 جملاً آن قدر اسلحه دسته مرصع و البسه
 زرفت مروارید دوز و دیگر اثبایی نادره درین
 مجموعه نقائسی هست که بوسف نمی آید

بقدریکه پادشاه ایران از همه پادشاهان جهان
 محترم تر است همانقدر خاق ایران بخیر و کشور ایران
 از ترقی و تمدن بی بهره است، سابقاً یک حکومت
 مشتمله ولایات را میفرمود، حکام مطلق النان در ایالات
 دور از مرکز بدون مراقبه و نظیتش تاموریت مودوعه
 خود را سوه استعمال نموده با کمال بیرحمی زیر دستان
 بدبخت راجت و با هرگونه رسوائی کیسه خود را بر میگردند،

ناصرالدین شاه گاهی مجبور شده این حرکات را منع میسکند، اما چه طور نه اینکه حق مظلوم را از ظالم گرفته بساحبش بدهد، بلکه حکم را عمل و بطهران خواسته آنچه باطل و ستم تحصیل کرده بود از دستش بگیرفت، و خاص خود میدانست، رعیت بیچاره این قسم بامال آمدی و اعتساف میدند، در ایران تشذبات عدایه نبود، و هنوز هم نیست، اساساً همه آنها و ملاها قاضی هستند، و این شکل عدایه بخلاف حس عمومی با دعوی ناسخ منفعت زیاد و کامل میبرند، بیشتر از ایشان ابداء و قوف و اطلاعاتی از قوانین اسلام ندارند، با آنکه طریقتی را عمل و تأسیس اجرای آن میدانند، فقط چیزی که یاد گرفته اند آنست که از دعاوی و فصایا سود بردارند و توانگر شوند، گذشته از آن احکام شاهم هرگز قطعی نیست، اکثر اوقات مدعیان از حکم این ملا سرسخت به ملای دیگر میکنند، و مدین جبهه دعاوی هم طویل میکند و پیش از آنکه رفع اختلاف شود و یکی از طرفین بحق خود رسد مدعی و مدعی الیه هر دو بامال میشوند، بسبب این بی اعتدالیها بعضی مردم چیز فهم با مدرك از حق خود میگذرند و گرد دعوا میگردند، و بیشتر اوقات اختلافی که دارند دوستانه مین خودشان فیصل میدهند و البته صلاحشان هم همین است، چه بسیاری از بریشانیها را اختلاف و سازش دفع میدهد متأسفانه حالانی توان گفت اگر میتوانستیم بگویم که درین زودها همچن مخصوصی بشرط مشروطه خواهی قانون عدلیه را انجام و موقع اجرا میگذرند عنقریب ایرانیان هم دارای محکمه های صحیح خواهد شد و بختیتمل آنوقت مردم هم مایل شوند امور خود را رجوع محکمه نمایند، فقط اگر فی الحقیقه ما باشند ما مانند سابق عدم امتیازی را که به ملاها داشته به قضات آینده هم داشته اختلافات را میان خود رفع میکنند که از همه بهتر و سودمند تر است

باری ایرانیان از آنچه بخت فیروز تا کنون برای ایشان ذخیره کرده بیشتر استحقاق دارند، چه گروهی هستند فضیلت مند اگر بعضی از آنها از استعمال تریاک عین برهیزند، غالب از شرب مسکرات محترزند، مردمانی هستند قانع، با هوش، صاحب طلب، فکرشان برای

سناج قیسه بویژه برای شعر واسع و روشن، و شاید مشرب آزادی حس تقدم فضلی و قوه تشبیه را در ایشان بیدار و بیدار کند، مدنی نیست که ارباب با فرنگستان مراوده هم رسانده و شروع کرده در مقاضیات عمر با اهل آن کشور همراهی شده پیداست که این مسلك را بیشتر تعزيب خواهد کرد، چه در شکستن قوت مستبدین نصر با اصلاح طلبان روسیه دارد، دو صنف اهالی خاصه یکی علما و دیگری تجار از جان و دل متفقند در تحصیل اصلاحات مایکی و سیاسی که اعلیحضرت مظفرالدین شاه چندین پیش از رحلت ناچار شده ایرانیان بخشید

امروز ایران ایک جنبش نمایانی خود را روبوسی ترقی و تعالی میکشاند، یکشخص فراسه که از دردمانی در طهران روز میگذراند قضیه فوق را قبل از وقوع این تبدلات و تغییرات حکومتی ثابت و طاهر میگرد و مینوشت،

دیک حس ملی این مجمع عطاالت را که سالیان دراز بیروح و بیعمل افتاده گویا حرکت میدهد، و براه استقلال و مدنیت دلالت میکند، اعتلای دولت ژاپون هم سر ایشان را موهج شدید شد، و خواستند مانند او پیش برفتند، اختلال روسیه را فوز عظیم شمردند، رفتار شورشیان که نخت (چار) را میبرزاید در لرزایدن نخت استبداد بادشاه ایرانم خود داری نکرد، پیش آمد احوال در طهران هم مانند (پترسبرگ) شد یعنی چندان که ملت پیشرفت دولت پس است

هر گاهی که ملت در لحظه جدید مینهد هماغه در از قدرت سلطنت بکاهد، تا کنون مالیه ایران از اموال شخصی بادشاه مسدود بوده، و بدون حساب هرگونه تصرف را روا میدیدند و هر وقت دست به تکیسه میرسید یا بده دیوانی را میبرزدند یا استقراض از خارجه میگردند، نخستین اهتمام مجلس شورای ملی اصلاح این مسئله شد، ازین پس بادشاه ناچار است بد آنچه تخصیص شده رضی شود، و باید همین از مفت خواران بیصرف را از کنار خود دور کند، گروهی که از تعدیل و اصلاح مالیه منضر شدند برای محاسنت معتمد و با فرقه مخالفین هم دست گشتند، هر چند که بادشاه محافظان و رعایت مشروطه را چندین بار برسم

قابل ملاحظه هم قلم محترم ما مدیر -
(جریده مظفری بوشهر)

پوشیده بست که حفظ شئون مؤبدین معارف بر
ارباب جراند پیش از طبقات سائره لازم است. در یکی
از شماره های جریده شرفه مظفری ملاحظه شد که با
الفاظ غیر مناسب شکایت بآنکه فصاحت نموده اند جناب
مستطاب حاجی رضا قلی آقا تاجر خراسانی مقیم
اسلامبول را که بدل ابونه جات جریده مظفری را
تعویق در فرستادن کرده اند. اگر چه عقیده ما این
است که هم قلم ما را درین موضوع سهو قلمی رفته
یعنی غرضشان دیگری بوده، وباسم اشتباه شده اگر
چنین است باید از ایشان در اخبار معذرت خواست و
هرگاه امر مشبه شده خوب است این مرد محترم را
معرفی نمائیم

جناب حاجی رضا قلی آقا تاجر خراسانی مقیم
اسلامبول بالغ رچهل سال است در راه معارف خدمات
شایان نموده. مدرسه ابرایان در اسلامبول تأسیس
شد جز در سایه اقدامات این مرد عبور، و بدون
اخراف پانصد مالات مهیجانه این مرد برای
اجرای قوانین مشروطیت در ایران از سی سال باین
طرف در جراند فارسی وغیره اشاعت یافته و می یابد.
جمیع سعراى خیرخواه و وزرای بی خارجه یا دتش
ایران تصدیق نامه ها در دروسکاری و دیانت و اطلاعات
این مرد نوشته اند داستان روسیا که رساله است
تاریخی و بسیار معید ریخته قلم ایشان است. حقوق
بین الدوله که مستغنی از توصیف می باشد از ترشحات
خامه ایشان. جغرافیای ایران از شائع زجات این مرد
است. گویا شایسته نباشد چنین مرد فاضل معارف
بزوهی را بسهمو یا عهد برای در اهم معوده مفتضح
نمائیم. ما جراند نگاران می توانیم برای حفظ حقوق
شخصیه خود مان بقسمی در اقتضاح دیگران کوشیم
که وژگونه ملزم شویم چه آبروی مردمان بزرگ پیش
از مقدار این ادعا های حقوقی ماست که ریخته میشود
و هرگز قانون هیچ مملکت ما اجازه میدهد که بدعوی
حق خود آبروی دیگران را بریزیم. ما از هم قلم
خود خواهش میکنیم که ازین مرد بزرگ که چهل
سال است خدمت بمعارف نموده و می نماید ترضیه بخوانند

و آیین سوگند یاد کرده باز مردم بچاکند که بیاد
بجانی فرقه مذکور را تشجیع و تقویت کند
همان نتیجه این بدگمانی است که در همین روزها
سه صد بشخص پادشاه نمودند. اگر چه محسب ظاهر
عقلاً این وقعه اتفاق افتاد. ولی نبایستی پادشاه وندمای
حضرت غفلات کرده باشند. چه گروه آزادی خواهان
یکسال قبل در اوراق (ششنامه) صراحتاً گوشرد همه
کردند که دشمنان مشروطیت اگر در قلمه های آهنگین
متحصن باشند دفع خواهیم داد. و خطاب بدرباریان
عموده نوشتند (مدانید و نمیخوانید که در همسایگی
ما در روسیه چه قدر مردم که دوستدار سلطنت
مطلقه و دشمن عدالت و حریت بودند باشد. ماقبت
هلاک شده و میشوند. سوگند با خدا و آیین خود
که ما هم ارباب داریم. ما هم اعمال و استعمال آن را
میدانیم. آلات و ادوات لازمه را هم آماده کرده ایم.
نخواستن رحمت کنید و جمعی را بزحمت میندازید)
مستبدین گوش باین حرف ها ندادند و همه را افسانه
پداشتند اکنون بنگرند که آن اتهام حجت عالی
اصل نبوده. و حقیقت داشته.

خلاصه حالا که ایران ترقیات فنی خود را از اعمال
بزرگان نتوانست در مدت مدید حاصل کند امید است
که نزدی در سایه مساعی این جمع بدست آرد
(علی اسفغانی)

آرگامی

اداره یومیة جبل المنین طهران در سال دوم
تدارکات لازمه از محررین فاضل با تجربه و اطلاع
که وقف بعولم اخبار نگاری اند ما ترتیبات صحیحیه
نموده عدد صفحات آن نیز ضاعف خواهد گردید.
(یعنی در هشت صفحه بنقطع هفتگی جبل المنین) - در
سال اول بواسطه ناجبی اسباب و عدم موجودی
محررین صحیح صدر کفایت. و بی ترتیبی کارها نتیجه
دلجراه اقصای این اداره مای بود موفق بخدمات ملایه
نگردیدند. امید است در سال دوم با حفظ مسلك
مرغوب پانزده - له خود بشایسته ترین خدمات وطنیه
موفق گردند هرکس طالب اشتراك باشد رجوع باداره
یومیة جبل المنین (طهران - خیابان لاله زار) نماید
(مهمتم اداره)

و اگر حق دارند از راهش بیرون آمده از روی قاعده صحیح مطالبه نمایند، و ازین سوء ادبی که بدون هیچ قصد و اراده شخصی نسبت بهم قلم خود نموده معذرت میخواهیم و امیدواریم نیت ما را جز بخیر و صلاح خود ندانند

تلاکرافات

(۸ ربیع الاول - ۱۰ اپریل)

§ (مستر اسکوت) امروز عصر وارد لندن شد، در استایون راه آهن اهالی با کمال احترام تبریک نامه ورود قرأت نمودند

§ (سرهنری کبیل بزمن) صدر اسبق انگلستان دیشب حالت بسیار بد بود، روز بروز بر ضعفش میافزاید
§ کبیبونی برای تحقیقات ریاست (معظم پاشا) سمت (عماره) رهسپار گردید (برای رفع انقلاب و بی اعتدالی اصرار است)

§ امپراطور و امپراطریس آلمان امروز وارد (کرفو) شده، خانواده - اهلنی پیمان تمام استقبال آمده بودند
(۹ ربیع الاول - ۱۱ اپریل)

§ امپراطور روس برورقه قانونی که بموجب آن نمایندگانی را اختیارات سفارت داده شده دستخط فرمود
§ (مستر اسکوت) همینکه وارد لندن شد بیادت (سرهنری کبیل بزمن) شنافت، اعلان وزارت جدید روز شنبه خواهد شد

§ امپراطور آلمان در (کرفو) ملاحظه جہازات جنگی یونان را نمودند
(۱۰ ربیع الاول - ۱۲ اپریل)

§ از اخبارات (لمبرگ) ظاهر می شود که شخصی در جن ملاقات (کاؤت پوتوکی) حاکم (گالیسیا) را بقتل رسانیده است

§ مجلس شورای ملی (نیوبارک) بروی حکمت عامی (مستر روزبولت) رئیس جمهور امریکا را نموده، و (مستر هینوکر) را برای رئیس جمهوری امریکا نمودند
§ انجمن تجارتی پاریس مجلس ضیافتی ترتیب داده و در آن وزیر دولت فرانسه تمام شرکت داشتند، (مستر لوید جارچ) به سبب بعضی مواجعی (بلنیک) از شرکت معذور ماند

§ رساله مشهور شده که (سرهنری فولر) بمسئله خود بر قرار خواهد ماند، و (لارڈ نوید مونه) رئیس شوری و (ارل آف کروی، وزیر مستعمرات)

و (لوید جارچ وزیر خزانه) و (مستر کلکینه، امیرالبحر) و (مستروالتر و نسبین وزیر معارف) و (میدجر سابی) نایب وزیر اداره خارجه و (لارڈ لوکس، منتظم مجلس ملی) و (مستراوکلند، وزیر دفتر نظام) و (مستر بوکانن - ناظر وزیر هند در مجلس ملی) و (سراج فولر و مستر و استن جرجیل از مناصب خود استعفا داده چه (مسترفولر) را لقب لارڈی و (مستر و - تن) را در وزارت تجارت عهده اعطا شده است

§ تاکرانی از پاریس رسیده که (مسیرودیلانگرنیج) فاصله ۶ دقیقه و نیم دویالون (۳۹۲۵) میتر راه را طی کرده است

(۱۱ ربیع الاول - ۱۳ اپریل)

§ (طمس) لندن را عقیده اینست که (مستر هوب هاؤس) ناظر خزانه طالبات معین خواهد شد قبل از این بر این عهده (مستر رنسیمن) بود، و تا کنون بر این عهده هیچکس مقرر نشده بود

§ (برنس بولو) وار - (رؤم) شد و با (سکتر یتونی) ملاقات کرد

§ خبری که از (لندن) رسیده ظاهر میدارد که در (جلسی) حریق سحقی شده و قدر یک میل مربع کارخانجات را سوخته و هنوز مشتمل است

§ مخبر (روتر) از (شنگهای) خبر میدهد که در ضاع (هانگو) طغیانی مباد شده قدر (۲۰۰۰) نفر خرق شده اند

§ (سکتریتونی) از (برنس بولو) بازید نموده قرب ۸۰ دقیقه گفتگو کرده، مضمون است این گفتگو درباره (مقدونیا) بوده است

(۱۲ ربیع الاول - ۱۴ اپریل)

§ در مجلس (دوما) درباره راه آهن (آمور) مباحثه در پیش است (مستر استولیچن) اظهار داشته که تعمیر این راه به محض ترقی ممکن است، بلکه تجارت را ترقی خواهد داد و آسای جبهه آمد و شد اهالی خارجه خواهد گردید

§ خبری از (واشنگتن) رسیده که بین (مستر روت) و (بیرون وان روزن) در (نیچوریا) گفتگوی زیاد شده و بعد (بیرون) مذکور بسمت روسیه رهسپار گردید گمان میرود نتیجه این گفتگو رفع اختلافی را که بین دولتین روس و امریکا درباره منجوریا بوده نموده است و تصفیه اختیارات قوسل امریکا مقیم ساریین

هم شده است

§ در مجلس شورای ملی انگلستان در ماهه جمادى
آخريات (مجلس) اعلان شده و (رويس برى) آخرب
گردیده است

§ امپراطور آلمان بر جهاز انگلیسی (ایمپلک ایل)
با چهار ساعت مشغول سیر و تفریح بوده، و با افسران
گفتگو می نمودند -

§ (برس بولو) ضمن ملاقات اهالی (رؤم)
اظهار داشته که دول اروپا را رأى اینست که تحریکات
انگلیس و روس را درباره (مقدونیا) ترمیم نمایند -
سولت آلمان را فقط منظور اینست که اختیارات دول
و وضع (بلقان) را چنانچه فعلاً هست باقی بگذارد -
§ (سپور و گنالت، و جنرل لیاثی) از مراکز جمه
د بورت شفاهی بجانب پاریس رهسپار شدند -

(۱۴ ربيع الاول - ۱۵ اپریل)

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) پادشاه انگلستان از
(بیازد) رهسپار و فردا وارد لندن خواهند شد

§ قوسل انگلیس مقیم (تأخیر) اعلان داده که رعایای
انگلیسی اگر گرفتار دزدان شوند تاوانشان را دولت
نخواهد داد -

§ (برنس بولو) مع روجه شان دیشب با اعلیحضرت
(ویکتور انیول) پادشاه ایتالی در صرف شام شرکت
داشته امروز برس موصوف با باب بزرگ ملاقات
عموده - باب اظهار داشته که امید است که در آلمان
مسئله مذهب کاتولیک بدن حلواه شود

(۱۴ ربيع الاول - ۱۶ اپریل)

§ جهازات جنگی امریکا وارد (سندیکو) شده با
حالی تحمل و تخشیم زیاد اهالی استقبال شوقانه نمودند
§ در مجلس شورای ملی (بازیک) در خصوص
مسئله الحاق (کانگو) دبروز شروع بمباحثه شده ،
درباره الحاق و انتظام (کانگو) بحث زیاد شد ،
رئیس الوزرا خواهش کرد معجلاً از جمله اقصاء باید
§ از اداره نظامی انگلستان حکم خریداری (۵۰۰۰۰)
شمشیر بطریق ساخت ژاپون صادر شده ، و این
حکم تصویب کیسبون فوجی امضا یافته ، این شمشیرها
شمشیرهای مروجیه سه ایچ دراز تر است و در جنگ
بسیار بکار می آید

§ در (ویاه) فوآه است که (مسو قابرس) و
امپراطور آلمان - و پادشاه دنمارک - و فرماروایان دیگر
آلمان - در مجلس جشن ۵۰ - له حکمران (فرانسس
جوزف) امپراطور آستریا در جون ۱۹۰۸ شرکت
خواهند نمود

§ شاهزاده ولیمهد انگلستان دبروز بیادت
(سرهنری کبل بترمن) رفته بود

§ (مستر مارلی) تخریباً جواب - ژوال (مسترگری)
را داده که امیرافغانستان تاکنون بر عهدنامه انگلیس
و روس دستخط نکرده است

§ از خبری که از (واشنگتن) رسیده ظاهر می شود که
در مجلس شورای ملی مسوده قانون بحری مصارف که
ترمیم یافته بود و بنا بود دو فروند جهاز جنگی بزرگ
تعمیر شود ، و بموجب تحریک خاص (مستروزیبولت)
رئیس جمهوری امریکا چهار فروند موضوع بحث
شده با (۱۹۰) آراء برخلاف (۷۰) رای می تحریک
مستر روزی ویلت رئیس جمهوری نامنظور شد

§ (لارد توید موته) در دارالعلوم بحری انگلیس
اظهار داشت که از ترك اداره بحری زیاد دلگیر است
بولی (مستراسکوته) را طحال اینست که احزاه ادارجات
معارف نیز باید اعضای مجلس ملی باشند

تکرافات روتر راجع بایران

§ اخبارات روس تقریر (مسبو اوزلسکی) را کافی
از معاملات ضروریه سیاسیه می دانند چه با وجود
انتظار وکلای (دهما) و ملت روسیه هیچ گونه اشاری
در ماده تدارکات جنگی عثمانی در سرحدات ایران
نه نمود و حال آنکه (پرو فیسر) (مبلو سکوف)
استفسار هم از او عموده است

§ اخبار (پوپوریمیا) اعتراض و ملامت میکند
(مسبو اوزلسکی) را که اعتبار بلکه اطاعت با قوال
آلمان و عثمانی ظاهر داشته است

§ اخبارات روسی عموماً مینویسند که تدارکات عثمانی
بر خلاف ایران است ، خصوصاً درمفا مانیکه منافع
روسی در معرض نقصان میباشد

§ جرائد روسی را بالانفاق عقیده این است که
حرکات ترکی در سرحدات ایران طبیعی و بالاراده
نیست ، بلکه دست خارجی موهبج او و متحرک بحرکت

دیگری است (غرضشان آلمان است و بقیناً درین رأی صوابند، هر کس از مقاصد سیاسی آلمان واقف باشد الاحرف این نکته تصدیق خواهد نمود)

§ اغتشاش و انقلاب عمومی تمام صوبه آذربایجان را احاطه نموده است

§ طرق تجارتی دریای خزر با آذربایجان زعم امنیت تمام مسدود گردیده است

§ يك نفر از خوانین ایلات ما با صد نفر آرمین خود در (بيله-سور) که سرحد ایران و روس است حمله آورده پنج نفر از سپاهیان روس که یکی از آنها افسر (کپتان) بوده بقتل رسیده، و پنج نفر هم زخم شده اند، و بسیاری از دهات و آبادی را بر آتش زده و غارت نموده اند

§ دوات روس من باب حمله ایلاتی مستحقین سرحدی شدیداً بدولت ایران اعتراض نموده تدارک فوری می خواسته و از مادکوه و سایر قفقاز نیز قشون در کمک مستحقین سرحدی طلب نموده است

§ از تلگراف پتربورگ ظاهر می شود که دسته نیز قشون روس (کجا بلکی) که از قراه سرحدی ایران است آتش زده اند چه اهالی آنجا در حمله بر (بيله سور) شرکت داشته اند

حیل المتین

فقط اگر بنوشتن کارها انجام می گرفت ما نا نوشته نگذارده ایم، و هرگاه بگفتن صرف مدت غنات زده ما بخود می آمد امروز دچار این بدبختی عظیمه نمیگردیدیم، درد انجاست که دولتیان نه میگویند رفع این فائلات خانان سوز از مانی شود و نه در رفع این انقلابات مملکت ویران کن اقدام می نمایند، نه ملت و اجازه به تشکیل قشون ملی و دفاع از دشمنان خودی و بیگانه میدهند، و نه حدود از روی صحت این يك مدت قشون موجوده را برای حفظ امنیت داخله تحت انظام می آورند، فقط برای تسکین ملت و انداختن سنگ حل و کلا بک سخن ورد زانسان است که بدون پول مملکت آرام نمیگردد، و کسی هم از ایشان نمی پرسد که همین پول بود، که نژد هم سالانه قشون نمی رسید و تمام مملکت نیز امن بود، و همین قشون بود که شیخ عبیدالله جان را بخاک سپاه کشاند و در روز آن جنتی و جلالت را در مقابل سالار لدرله بخرچ داد، وقتی که درست غور نمائیم و بدقت نظر انکذیم سرکشی جز

بستکان دوات در تمام ایران نیست و کلیه حرکات اشراک باشاره درباریان است، آیا رؤسای ایلات و سرکردگان و سرحد داران و آخوند های دانی و مثال آن اگر اشاره و نشانه از طرف درباریان نیاید بجه وسیله و امید مصدر شرارت میگردند؟ تاکی باید ما ملت بدبخت خود مان را گول بزیم و تجامل عارفانه نموده به سخنان واهی مستبدین قناعت و رزیم آید کسی هست که نگردد این انقلابات خود آورده نیست؟ چهل این از یکسال و نیم قبل دعوت عناییمها را مدال نکاشت و آخر دیده شد آنچه را که دیدیم، مد است می نویسیم که این درباریان لحذا با شناس سالی اند که دستت صرف روس و انگلیس را در داخله دراز نمایند، این دور طبیعتان به يك کردن کفش اجاب راضی اند که این مملکت در دست ایرانیان آباد نگردد، ایرانیان باید خود شان همه چیز را تاکنون فهمیده باشند، کرارا برادران آذربایجانی خود مان را مخاطب ساخته عرض نمودیم ای برادران غبور، ای پشت و پناهان مشروطیت شما پیش از اهالی سایر بلدان ایران خارج چشم مستبدین گردیده اید، این است که همه گونه آن بدبختان در اندام شما و اهدام آسطمه از خاک مقدس وطن ما آماده اند، شما باید خود را بزم و صاحب دانسته چاره برای درد بیدرمان خویش بنماید، این خائن اول شمارا انکذوب سم ستور احباب خواهند ساخت، اول طوق بندی و عبودیت بگردن شما خواهند انداخت، شما نباید به سخنان توخالی درباریان خادع قناعت بنماید، اگر شما تاکنون از روی قاعده صحیح بین خود اتفاق نموده ترتیب قشون ملی داده بودید امروز مملکت آذربایجان دریای قن نمیگردید، فلان سرکرده و رئیس اول با چند سوار نمیتوانست ایندر بر شما تاخت و تاز روا دارد، تا این درباریان بروی کار باشند، و وزارت درین چند نفر مخصوص دور زند، نخواهند گذارد که ترتیب قشون ملی داده شود، و کلاهی صاف درون مایم مافت این نکته نیستند، تعجب این است که چرا از تشکیل قشون ملی مات را جلو گیری می نمایند؟ چرا مردم را ازین شوق می اندازند؟ چرا حفظ مان و جان رعایا را بخودشان واگذار نمی نمایند؟ اگر از یکسال باین طرف و کلا به ترتیب قشون ملی اقدام کرده بودند امروز در هر نقطه بقدری قشون دو طلب ترتیب شده بود که چهار نفر اشراک باشاره درباریان

توانند این آتش خلیما سوز را در مملکت بیفروزند
ای وکلای محترم بصاحب شریعت مقدسه سوگند
که تا وقتی درباریان و مستبدین خدا ناشناس از عتاب
قائده خود باز نیایند راضی به ترتیب قشون ملی
نخواهند شد. شایا با هزاران زبان فریب میدهند، و
ازین مقصود مقدس باز میدارند، اگر شایا وکلای محترم
اقدام در انجام این عمل نموده، تمام ملت برای ادای
مصارف آن بشخصه حاضر بودند، مات فرانسه که بر
مستبدین مملکت خود غایب هستند از برکت قشون ملی بود،
و در ابتدای امر متظر نباید شد که قشون ملی را مطابق
نظام حالیه آلمان بگیرند، فعلاً ترتیب قشون ملی را بوضع
دو طایفه جاری دارید

برای خاطر خدا و رسول بیاید و بر این ملک و
مات نرحم نیاید، عاجلاً ترتیب قشون دو طلب در هر صوبه
به نیاید ورنه مملکت از دست میرود، و اگر جندی
دیگر باین وضع بماند اجانب به بهانه هائیکه بر احدی
پوشیده نیست تصرف خواهند نمود

در فصول معاهده روس و انگلیس بدقت غور نماید
و نیز در حرکات دو همسایه شمال و جنوب خود نظر
اندازید، هفته گذشته تلگراف حرکت قشون انگلیس
را بسرحد سیستان نوشتیم اینک معلوم می شود قشون
روس هم برای سرحدات دریای خزر و آذربایجان
تدارک می شود، دولتین متعاهدین از روی یک
قطعه در حرکت اند، و در بازی پلینیک فدیة چند نفر
سرمازو رعایا هیچ اهمیت ندارد، امنیت تجار تیکه اعظام
و سائل پیشقدمی است که در دست دارید

در عنوان تلگرافات و اسداد ابواب تجارت دریای
خزر با ذریعہ ایجان بدقت غور نماید، و خیالات همسایگان
را از روی حقیقت ملتفت شوید، تمام این انقلابات
بإشارة همسایگان و توسط درباریان خود آورده
است، چنین تصور نکنید که آرامی موقت یک قطعه
امنیت دائمی را برای مملکت و یا یک صوبه دعوت
خواهد نمود، تا وقتی قشون ملی ترتیب اشود، مستبدین
پیش پای خود نخواهند نشست، و همسایگان از موشک
دوانی باز نخواهند آمد، از آن روز به ترسید که آن
قدرت را برای شایا نگذارند که بتوانند تشکیل
قشون ملی دهید

ای علای اعلام ای حجج اسلامیه ایران و عتبات
عالیات آگاه باشید که ایران از دست میرود، و این
مملکت اسلامی دارد از هم دست بر میدارد، اسلام از
میان خواهد رفت، بخدا قسم خیلی نکات را میدانیم که

چون گنگ خواب دیده قبتوانیم بنویسیم بر شایا
بزرگوارانست که بدون فوت وقت قشون دو طلب
حاضر نیاید، شایا باید مشوق خلق شود، این عمل
شرعی است حتماً مجلس باید قانونی برای این امر قرار
دهد، و نگذارید وکلا پیش ازین درین مشروع مقدس
تخلل روا دارند، و خدای ناخواسته مساعده نمایند درباریان
خان جعی از وکلای صاف درون را درین موضوع
با خود متفق نموده، که قشون ملی ترتیب نیاید هزار
طرح جلو حامیان قشون ملی میگذارند، و هزار ایراد
پیش میکنند، بعبارت بسیار ساده عقل ساده لوحان وکلای
مارا دزدیده اند، بر شایا بزرگوارانست است که ثابت
انقلابات امروزه را ملاحظه نموده به ترتیب قشون ملی
از روی و حوب علاج واقعات مگو را قبل از وقوع
به نیاید در هر صوبه برای قشون دو طلب مرکزی
قرار دهید و تدارک مصارف و مشاق آنها را هم از
اهالی همان صوبه فرمائید و قشون موجوده هر صوبه را
هم تحت انتظام صحیح آورده بدار نیاید، و نگذارید
مصارف که ملت برای قشون هر صوبه میدهد بپدر رود،
ورنه خدای ناخواسته بیاید روزی که کف افسوس
ماید و سودی حاصل فرمائید

ای حجج اسلامیه طراسان این ارض اقدس پیش
تر و زودتر از سایر ولایات ایران دچار مشکلات و سختی
خواهد گردید، عنقریب از چهار طرف مانند نگین
انگشتر دور شایا حلقه خواهند زد، خیلی آرام نشسته اید
ایران شعله آتش است، و جز به همراهی شایا بزرگواران
خودگی نگیرد، و همراهی شایا موالیان فعلاً همان تشکیل
قشون دو طلب ملی است، ملت درین موضوع هیچ عذر
را از وکلای خود نباید به پذیرد، حفظ بیضة اسلام بر
فرد فرد مسلمین لازم است، من قبل از وقت خبر میدهم
که مملکت طراسان عنقریب صدگونه از آذربایجان منقلب تر
خواهد شد، بیاید و نگذارید اهالی این مملکت مثل
مردمان غیور آذربایجان بخواب رفته روزیاء امروزه
آنان را به پشند، از ما گفتن است کوتاهی نکرده و
نخواهیم کرد

ای ناصحین ملت ای وعظ محترم ای علم داران
مشروطیت، به بلند کننده کلمه اسلام سوگند که ایران
جز در سایه تشکیل قشون ملی ماقی نتواند ماند، بر شایست
که ملت را بهیجان آورده نگذارید بیل چند نفر خود
فرض این مسئله که ماده الحیات ایران است از میان برد
آب زندگانی ایرانیان تشکیل قشون ملی است و بس

جبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Health Math Office
4, Medical College St.
CALCUTTA.

وکلا ده دار ابونجات مشترکین اند
(بدل ابونہ اخبار پیشگر گرفته میشود)

قیمت اشتراک

سالانه - شش ماهه

نامه مقدسه

هند و برمه

۱۲ روپہ ۷ روپہ

ایران و افغانستان

۲۰ قران - ۲۵ قران

عمانی و مصر

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات - ۶ منات

المتین

سنه ۱۳۱۱

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

یوم دوشنبه

۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۶ هجری

مصادف با

۲۷ اپریل ۱۹۰۸ میلادی

(مقالات مخصوصی بدون امضای معروف)

(اداره درج نمیشود)

در این جرده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مانی بحث میشود

(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

ایران و استقراض

عطف بامعجب

چنانچه در شماره های قبل اشاره نمودیم وکلای محترم شورای ملی وقتی باید مسئله استقراض را موضوع بحث قرار دهند که ریخته استبداد از ایران کنند، و الا سبب هرگونه قدرت از مستبدین شده باشد، و لاجله وکلا اطمینان کامل پیدا نمایند که در بودجه مملکت دیناری حیف ربهل نمی شود، خرج تراشی موقوف، و آنچه مات میدهد بدون کم و کسر در خزینه دولت وارد میگردد، و تذبذب از وزرا دور، و با مستشار های با علم و تجربه خارجه وزارتخانه ها دائر، و با اصول اداریه منظم گردد، و جمع و خرج هر اداره از روی اصول اداریه کم یا زیاد مرتب شود، قوانین هر يك از وزارتخانه ها از مجلس گذشته سر و صورت ظاهری بآنها داده شود، از اینها مقدم تر اتحاد عملی بین ملت و دولت حاصل نموده وزرا وظیفه خودشانرا صرف در اجوبه بلتایی بمجلس نمایند، هر وزیر علاوه بر عهده وزارت خود را یکی از افراد وطن دوست مشروطه خواه داشته، از زوی صداقت و درستی کابینه وزرا بار ز دوش مجلس بردارند و با راه نمایی و توضیحات زمه بکلا اقلاً راه ها را امن و مملکت را آرام و ابواب

ن تجارت آزاد و امین گردانند، ورنه قبل از انجام امور مذکوره و آنکمی در چنین حال اختلاف و انقلاب سخن از استقراض گفتن جسم مقدس وطن را مسموم نمودن است،

رفع احتیاج دولت باید از خود مملکت بشود، با از خرج بکاهند، و یا بر دخل بیفزایند، استقراض اهم از داخله و خارجه باید برای ترقی ملت و اصلاحات مملکت باشد، مالم است که ترقی ملت و اصلاحات مملکت قبل از انجم آنچه ذکر شد محال است، و در چنین حال استقراض خارجی اگر هم صورت به بندد جز اینکه مرید بر خرابی مملکت گردد، هیچ فائده بر آن مترتب نخواهد گردید

یکی از اسانده فن اقتصاد می نویسد و قروض ملیه هرگاه شالوده اش بر اصلاحات مملکت نباشد جز تیراهی ملت و برآدی مملکت فائده به بخشد، مگر در حال اضطرار که آهم مانعصر با استقراضات حربه و دفع قایم خارجی است

درینصورت ما هیچوقت نمیتوانیم رأی بدهیم که برای رفع احتیاجات دولتی، بديارت ساده برای دادن مواجب با بر بهادر و اقبال الدوله و صرف نمودن در میدان توبخانه و امثال آن واضح تر برای تعیش درباریان و مدعی زشی برای مجلس، مانند رهن گذارده استقراض نمایم،

رفع احتیاجات ضروریه لازم است ، نه باستقراض ، باید اینگونه احتیاجات از خود مملکت رفع شود . راهش هم همان است که وکلای مجلس یا از خرج بکاهند ، و یا بردخل بیفزایند ، اینگونه اصلاحات ابتدا ربطی باستقراض ندارد ما ناوقتی که انتظامات سطحی خود مان را درست نکنیم ، و یک سر و صورت اداره بکارهای مملکت ندهیم ، محال است از روی شرف بتوانیم در خارج یا داخل قرض بنایم ، قرضیکه برای اصلاحات باشد چندین لازم بضانت خارجی ندارد ، فرضاً ما بیست کرور قرض میخواهیم برای تعمیر سد اهواز و آبادی ممالک پاره آن نواح ، همینقدر که وزارت مالیه ما دارای صحت وامضا شد راپورت هیئت از مهندسين درقابایت اهواز و نمودن منافع آن پس از تعمیر (چنانچه مهندس هولاندی نقشه کشید ، و از روی قواعد عامی مدلل داشت منافع آنرا و ما آن شرح را ساطا در حبله لئین نگاشتیم و فکر رجال با علم ما نیامد) همان مابۀ اعتبار و ضامن ادای اصل و فرع آن استقراض تواند شد ، همان قسم است تعمیر راه های آهن و انکشاف معادن وغیره ، شروط این گونه استقراضات بسیار ساده و سهل است ، و با کمال شرافت میتوان تحصیل نمود ، و سرمایه داران فرنگ برای ادای این گونه وجوه بر یکدیگر بیعت میکنند ، برعکس اگر برای رفع احتیاجات مایکی استقراض شود ، اولاً کمال اکراه را در دادن آن ظاهر خواهند نمود ، علاوه سود هم زیاد نخواهند گرفت و شرایط هم سخت پیش خواهند کرد ، و یک ضمانت بسیار معتبر نیز خواهند خواست ، اگر بنا شود با هم رفع احتیاجات مایکی استقراضی از خارجه به بنایم هماره غافله ما لنگ ، و همه ساله با که همه روزه مبتلای پناه خون رجال دینک خواهیم بود ، چه بلاشبه من بعد مصارف ما آن بآن در از دیاد خواهد بود ، اگر بنا شد برای این جزئیات دست بدامن خارجه زده متمسک باستقراض شویم هرگز روی سادت و نیک بختی نخواهیم دید

(خوش آن جایی که آب از خود برآرد)

ظاهر است که ما فعلاً مبتلای بختی نیستیم که مجبور باستقراض از خارجه باشیم ، و بلاشبه امروز پاتیک ایران مقتضی جنگ هم نیست ، و احدی از خیر خواهان وطن آرزوی جنگ امروز برای ایران نمی نماید ،

پس اگر مقصود ازین استقراض دفاع از محاورات غلبی است در این ماره ایران هرگز محتاج باستقراض از خارجه نخواهد شد ، هرگاه از روی صحت و درستی بتوسط حجاج اسلامیه و انجمن های ابلت و ولایتی و

جوامع ملیه و مقررین و محررین باصول اطمینان بخش ملت رجوع شود ، در کمال سهولت آحاد غبور ایران بدون حرف رفع این احتیاج را از دولت می نمایند ، و هرگاه گفته شود (چنانچه گفته اند) فوری قورخانه واسلحه جدید ضرورت و رفع این احتیاج آنی است . بنده ضمانت میکنم بلکه حاضریم که اگر وزرای محترم از روی جد و صحت عمل اسلحه و قورخانه نخواهند ، در کالکت نشسته ده کرور بهترین اسلحه جدید را از هر یک از کارخانجات اروپ که امر نمایند باقسط طولانی خریدند عاجلاً وارد بخاک ایران بنایم ، و هرچه از مدت بگذرد فقط سود صد چهار بیشتر بر آن تعلق نگیرد بدون هیچ شرط و هیچ گونه ضمانت ، هرگاه باور ندارند رجوع نموده تجربه فرمایند تا معلوم شود ، فرقی در قول و فعل ما نیست

مقصود این است که این مسئله را نیز بالأصله نمیتوان داعی بر یک استقراض بزرگی قرارداد ، و نیز برای مصارف ابتدائی فوری ، اگر وزرا اراده شان تعلق گیرد که از روی صحت اقدام بکار نمایند میتوانند باعتبار وکلا وضمانت مجلس مقدس چند کرور از سرمایه داران ایران امر از خارجه و داخله موقتاً استقراض نمایند ، و مراده کارها را بر مجرای صحیح بگردانند

مشکل این است که مردم ایران با هیئت صادقه الاحال مصادف نیامده تا فدا کاری خودشان را در راه ملک و ملت و دولت بر صحنه شهود آرند ، اگر وکلا و وزرا توانستند یک همچو هیئت را بمات معرفی نمایند بنده ضامنم که در قلیل زمان بتوانند از داخله رفع جمیع احتیاجات مایکی و اصلاحات مملکتی را بنمایند ، چون غرض اصلی ما بر حسب وعده هفته گذشته نمودن ضرق استقراضات داخلی و خارجی بود صرف نظر از نکات راجعه باین عنوان نموده بعنوان مدعو می پردازیم

استقراض داخلی

نک و شبه نیست تا وقتی مات بدولت اطمینان حاصل نمایند و طاند ملل سائر مستعد شوند که آنچه دولت بخواد با کمال طهران بدهند خیلی درست کاری دولتیان و صحت دستگاه دیوان میخواهد و اینها طول زمان در کار دارد

لذا عقیده ما این است که برای اصلاحات لازمه و حصول وجهی معانا از ملت هیچ راهی بهتر و سالم تر و سریع تر اصول ترازین نیست که مجلس مقدس قانونی وضع نماید که مات برای اصلاحات مایکی فلان شعبه و فلان امر و فلان اداره باید در هر صده ده سال مثلاً دو بیست کرور تومان بدولت بدهد ، و بر طبق آن قانون مرتب

داشته معادل دوپست کرور هم بوزیرماليه حکم بدهد که
تمبر يك پولى و دو پولى و صد دينارى تا يكقرانى و
يكنوماني بالاتر طبع نموده و برای مصرف این تمبرها
انحصار خرید و فروش دخانيات را موقتاً بحساب بوزارت
ماليه بدهد ، و وزير ماليه تارك هبتى صحیح با سرمایه
قليل برای این امر نموده ، فقط يك ربع برقيمت معینه
دخانياتیکه در داخله صرف می شود اهم از اینکه حاصل
ایران باشد یا از خارجه وارد شود بیفزایند و در مقابل
مبلغیکه زیاد شده تمبر صرف شود ، و هر کس تنباکو
ولو يك قوطی سگریت که صد دینار قیمت دارد بخرد يك
پول تمبر بالای او اخذ نماید و آن تمبر ها را جمع
نموده يك میزان معینی که رسید در وزارت ماليه برده
سند قروض دولتی را حاصل نماید .

شرح و بسط در جزئیات این امر خارج از گنجایش
اخبار است ، ترتیب آن را بر حسب مقتضای وقت و محل
کسیون مخصوص باید بدهد ، که سد ابواب حیب و میل
درین اداره گردیده ترتیب صحیحی هم بدست آید ، بر ما
فقط بیان کلیات است ، بسط کلام در جزئیات آن وظیفه
وکلای محترم و کسیون وزارت ماليه است قابل غور و
تأمل این است که استعمال دخانيات از عادات تفنی میباشد
و صرف آن نسبت بضروریات دیگر خیلی نیست ، رویم
رفته جمیع نفوس ایران روزی صد دینار صرف دخانياتشان
هست که اگر نفوس جهل کرور ایران گرفته شود
روزانه دوپست هزار تومان و ماهی دوازده کرور و
سالی یکصد و چهل و چهار کرور می شود و ربع آن
سی و هفت کرور میباشد ، ظاهر است هر کس صد
دینار برای دخانيات صرف میکند پنج پول بر او نینماید ،
می نماید ، و اسباب تنگی معاش او نمیکردد ، شرب
دخانيات چون عمومیت دارد و هیچ خانواده نیست
که يك جزء مصارف او تنباکو نباشد حصول وجه
بواسطه این جنس از ملت کسب عمومیت خواهد کرد
نه بعض دون بعض که مخالف با مشروطیت و عدالت
است ، و سبب تنگی معاش و سختی بر فقرا هم نمی شود
بر فرض صد دینار صرف تنباکو دارد اگر قدری
از آن را هم کم نماید بر او نخواهد نمود

نظر به تخمینه دخلی که کمپانی رژی در انحصار
خرید و فروش تنباکوی ایران برای خود نموده بود در
پنج ساله اول رویم سالی بیست و يك کرور ، و
مصارف آرا یازده کرور تومان سالانه میزان گرفته بود ،
اگر نصف آنرا ما هم قرض کنیم و حال آنکه دو مقابل
آن است و مصارف ما هم نسبت ما کم خواهد بود ، و
باندازه وی سرمایه هم لازم نداریم و سود پول هم نیاید
آنقدرها حساب شود سالانه بدون حرف بعد از وضع تمام

مخارج ده کرور پول میتوان از ملت عمید کرد و صد
پنج هزار نفوس بیکار مملکت هم بکار خواهند رسید ،
و همین مبلغ ماهانه و سالانه به صرف اصلاحات معین خواهد
رسید ، معلوم است که هر اداره بزیر از اصلاح دخلش
افزون خواهد شد ، باین تدبیر هم کارها اصلاح شده و هم
دخل دولت از اصلاحات مالی زیاد گردیده ، و هم
پس از سالی چند مبنی هنگفت سرمایه ملی ذخیره برای
افراد مات جمع گردیده است نهایت این که در قانون
راجعه بر این امر قرار باید داد که ناده سال حق خرید
و فروش سندات استقراری که در مقابل تمبر داده شده
و گرفتن سود از دولت ندارد ، پس از آن مدت بر آن
سندات سود هم داده و در بازار صرفان خرید و
فروش هم خواهد شد ، و بعد از آنکه مبلغ معینه
وصول شد یعنی دوپست کرور تمبر های دخانیه ختم
گردید خرید و فروش تنباکو هم از انحصار خارج گردد ،
و آن زیادتی قیمت که گرفته میشد نگیرد ، بقیه ما
امروز برای ایران بهترین اصول استقراری ملی که هم
مدل و اصناف عمل شده و هم بر مات گران نباشد
این است .

اطاه خواستنی و یا بامید اینکه ملت غیرت نموده باشد
تنگ یا اسم دیگر با این عدم طمینان وجه بدولت بدهند
محل اندر محال است قانون باید درجه تساوی را داشته
و قدری بز زور قانونی داشته باشد ، و باید چشم از
ثروت چند نفر انگشت شمار و همراهی صاحب ثروتان
بست که بعد از هزار گونه اقتضای نارینه از دوش
ملت و دولت نتواند برداشت

هرگاه معین شود که این مبلغ به تدریج میرسد و
اصلاحات بطول خواهد انجامید ، و بسیاری از اصلاحات
است که نمیتوان معوق و معطل گذارد ، میتوان وزارت
ماليه پس از شش ماه و یکسال که میزان صحیح بدستش
آمد از سرمایه داران داخله و خارجه بضانت این
دخل مبلغ معینی استقراری نموده که با اصل و سود
در مدتی معین داده شود و قرض هم دولتی نباشد ، ما در
موضوع استقراری داخله دخانيات را بطریق مثل بیان
کردیم ، و ره این گونه مواد بسیار داریم که به تدریج
میتوان از ملت و جمعی بسیار معتنا حاصل کرد ، نه
ابدا بر فقرا و ضعیفان هم نه نماید و اصلاحات هم بشود و
برای آنها هم يك ذخیره عمده باقی ماند

استقراری خارجی

بهترین راه استقراری خارجه برای ایران آن است که
بضانت و اعتبار تمام گمرکات معینی که هم کافی از ادای تمام
قروض خارجه و داخله امروز باشد ، و هم کفایت نماید
جمیع مواد اصلاحیه مملکت را از صرفان فرانس و

امریکا یا دول کوچک بی طرف مانند بلژیک و هلند و غیره با بول طلا قرض شود آنچه محقق است دخل امروزه گمرکات بدون هیچ جرح و تعدیل نازم میتواند ضمانت دو بست کرور استقراض خارجه را نماید، که اصل و فرع آن در مدت سی سال پرداخته شود، حساب تفصیلی آن خارج از کنجایش اخباری است کیسوییکه برای این امر مقرر شود مانند دفتی میتواند این حساب را از روی بحث و علم ترتیب داده بمجلس پیش نماید.

آمدیم بر سر مصارفیکه تا امروز محل بربرکات بوده لابد از برای آنها باید محل تعیین نمود، درین جا ما یک حصه رأی وزارت مالیه سابق حجاب نظام السلطنه را می پسندیم که گمرک دو چشمه جنس که شکر و چای است مصاعف شود در صورتیکه امروزه گمرک این دو چشمه جنس چهار کرور بنفج آمده، در مصاعف شدن آن بلا حرف دو سه کرور بدخل گمرک خواهد افزود، و چون خرج اضافه نخواهد شد این مبالغ کفایت خواهد نمود مصارفیکه امروزه محل آنرا گمرک قرار داده اند علاوه بشهادت اسنانستیک گمرک صادرات و واردات ایران همه ساله بل همه روزه ترقی بین نموده و خواهد نمود، و این ترقیات روز افزون گمرک هم خیلی کم خواهد کرد کمالات مصارفی را که امروزه از ادارات دولتی حمل بر گمرک است و چون هر ماهه و هر ساله مده اقساط قروض دولت کم ودخل گمرک زیاد خواهد شد پس از چند سال غالب دخل گمرک بکارهای دولتی خواهد خورد

بالجمله از وجوه استقراضی بجاه کرور در وجه قروض سابقه دولت میرود، بجاه کرور هم اگر صرف اصلاحات اداره و وزارت خانهها وتشکیل اردوهای منظم و خرید قورخانه و اسلحه و استقام قشون ملی و افتتاح بنگ اهلی و مدارس ابتدائی برای تعلیمات اجباری و تاسیس دارالعلوم و مدارس عالییه و تدارک فرستادن جمعی جوانان تعلیم یافته همه ساله برای تحصیل تجربه و تکمیل علوم و فنون ولوازم دیگر صرف شود بقدا کافی است، و ما را مستثنی خواهد بود، می ماند صد کرور دیگر، این مبلغ را اگر ما صرف تعمیر راه آهن و بستن سدھاسے لازمه و تسطیح و تربیت جنگلات و کشف معدنیات به نایم اولاً منافعی که ازین عملیات عاید شود اقل بقدری خواهد بود که کافی از سود دو بست کرور استقراضی ما بشود، علاوه بر این نیز به ضمانت همین عملیات جدید اعتبار بانصد کرور قرضه دیگر حاصل خواهیم نمود

این سخنان همه در مقام خود درست است، و ابدأ جای شبهه در آنها نیست که وارد ساختن يك مبالغ معتنا وجه طلا از خارجه با بران خلیل بر آمادی و ثروت ثلثت و رفاهیت ملت خواهد افزود، و ما اول کمی هستیم که باستقراض از خارجه رأی میدهم، ولی بشرطها و شروطها و آنچه درین سه هفته نوشتیم من شروطهاست.

مسئله ما این وضع امروزه و شرب الیهودی دستگاہ دیوان و نبودن هیچ اداره و نداشتن يك وزارت خانه و این همه سر حجابان استبداد و عدم اتحاد جنیقی و عملی دولت با ملت استقراض از خارجه مسموم ساختن ایران و ایرانیان است

مکتوب يك از افاضل اصفهان

جرائد مایه اهالی اصفهانرا از خواب غفلت بیدار نموده، و از غفلت به هشیاری رسانیده، و بیک اندازه بی محقوق مایه خود دردهاند، بمحافظه تعالی از برکات افاس قدسیه و توجیهات حضرت مستطاب بکتابی عصر آقای نذرة الاسلام مدظله العالی که بدون اغراق مایه شرف و سر بلندی و افتخار اصفهانیان بلکه کلیه ایرانیانند تا یک اندازه در مقام استیفاء و استنفاد حقوق مایه برآمده و انجمن ملی اصفهان با حسن وجه تشکیل و اعضاء آن به نایب تکالیف و وظائف خود عمل نمایند، و در نهایت وقت اغازت خود را در ادارات دولتی و غیره اعمال می نمایند، و نسبت بسائر ولایات راه تمدن را زیاده پیورده اند، جرائد اگر از پیش رفت انجمن اصفهان کما هو حقه بنویسند و اهالی سایر بلاد را از رحمت غیرتمندانه اعضاء آن انجمن آگاه نمایند اهالی سایر بلاد هم فرسخ ها پیش افتاد، زودتر راه مشروعه را خواهند پیورده.

افسوس که بکلی وقایع نگاری که ملت را از حقوق خود آگاه نماید وجود ندارد، و الا تا کلمون خدمات این انجمن مقدس بر آحاد ایرانیان مکشوف گشته بود، و مردم ما اندازه بیشتر بیدار شده بودند، لذا شده میخواهم بر سبیل اختصار اندکی وظیفه وقایع نگاری اختیار نمایم

عمده ادارات دولتی سه اداره است که فی الواقع قطب تمدن محکمت است، عدلیه، مالیه، قشون.

اما عدلیه با اینکه هنوز نظامنامه آن از مجلس مقدس نگذشته انجمن اصفهان در اخذت نهایت مراقبت را داشته، اغلب ناظری از انجمن مانند حسامان آقای شیخ الاسلام و حاجی معین الشریعه گفته که خلاف عدلی نسبت به ملت نشود، و مکرر بر مکرر

عات اعلان نموده که صراحت خود را بدلیه نماید و اگر خلاف مدلی از آن اداره بظهور رسید فوراً به انجمن ملی اطلاع دهد.

اما اداره مالیه که معروض و مشغول از اجحافات مستبدانه می‌چهل ساله بود و باشتهار اینکه حکم مجلس مقدس دارالشورای ملی این شده که امسال هم مالیات و فروعات را کافی السابق باید بدهند، میخواستند آنچه ازین مردم بجزه بهزار اسم و رسم و گره رقصانی میگرفتند باز بگیرند، نهایت بعضی اهل حل و عقد را بجزئی رعایت ساکت وقایع نماید، انجمن مقدس بر تمام این رموز واقف اول بصدای بازر آواز داد " که حکم مجلس مقدس لازم الاجراست، کتابچه دولتی را ابراز کند، هر قدر از هر جا اضافه خواستماند اطاعت میشود، پس از تمقالات و این شاخه و آن شاخه نشستن زیاد دیدند انجمن مقدس آنها را دچار فشار ملت خواهند نمود، پس از مدتی حاضر شده که مالیات را تصفیه نمایند از انجمن جناب شیخ الاسلام و جناب حاجی میرزا محمود بنکدار معین شدند که با جنابان مرشد و حاجی میرزا عبدالحسین انصاری که خارج از اعضاء و از مردمان با بصیرت هستند با جناب مأمور مالیه شسته عمل مالیات را تصفیه نمایند، مدتی کسب و منعمه و حضرات معزی الهم مشغول تحقیقات بوده، لازمه جد و جهد را بعمل آورده، پس از مدتی تمام صورت جزو مالیات و فروعات تمام ابوابی حکومت اصفهان را باسم و رسم و جا بجا نوشته و با دستور العمل دیوانی سنجیده دو نسخه نموده بانجمن آوردند، بک صورت آن را انجمن ضبط و دیگری را تصحیح و مهر نموده بمأمور مالیه داده شد و بمردم عموماً اعلان نمودند که مالیات خود را مطابق صورت عموره انجمن برسانید، چه عرض کنم که پس از رسیدن صورت جز، و کل مالیات چه خیال بر سر مردم بود

(ترسم آزرده شوی ورنه سخن بسیار است)

مسئله خانواری توبخانه و افواج که خارج از اداره مالیاتی بودند نیز در مقام تصفیه آن بر آمده در باب خانواری توبچیان و فوج جلالی جنابان آقای شیخ الاسلام و آقا میرزا محمد خان مشرف را معین نموده زحمتی کشیدند و تقریباً تومانی یک تومان علاوه

از مردم با قلاق و خرج تراشها میگرفتند و دیناری بصاحبان خانواری نمیدادند، بالأخره اجحافات ر خارج و حق را بدوی الحقوق رسانیدند، و خانواری فوج چهار محال را نیز در عمده جناب شیخ الاسلام و بعضی دیگر گذارده مشغول تصفیه هستند، ولی فوج فریدن چون مأمور فارس بود ملاحظه آنکه مباد مخالفین با آنها اطلاع دهند که میخواهند تصرف در خانواری شاها کنند و از میان ببرند دخالتی نه نمودند ولی بجهت قایمخان مرینج تلگراف کردند که هر قدر سراز دارند باید در مراجعت در قشقه سه منزلی اصفهان بسید عبدالله کپایی سان بدهید، والا در خصوص مواجب و خانواری از جهة شا تولید زحمت خواهد شد اداره فشوی که امروزه هم ادارات دولتی و نظم آن موجب رفع بسیاری از خطرات مملکت است در اصفهان ماشب بچند شعبه میباشد اول توبخانه - دومی سواره فتحیه - سومی فوج جلالی و افواج دیگر

اما توبخانه اصفهان از یکصد و بیست و شش نفر توپچی که مبالغی گزاف نقد و جنس علاوه بر مبالغ خطیری که باسم خانواری از مردم برای آنها میگرفتند و جزو دستور العمل اصفهان بود سواى چند نفر توپچی که آنها در مقام ضرورت شایک دیده می‌شد وفق دیگر دیده می‌شد، اما غلامان فتحیه از یکصد و شانزده نفر سواره فتح که بشرح فوق مواجب و حیره و عایق داشتند سواى چند نفر که بوکر و خدمت گذار شخصی بودند وجود نداشت

اما فوج جلالی از یک هزار نفر سرباز که معادل شش برابر افواج دیگر ایران مواجب و حیره و عایق برای خود صاحب منصبان آنها منظور شده سواى عمده قبلی که وجود آنها برای قراولی خانهها و باقهای داخله و خارج شهر متعاق باوایسای امور لازم بود سربازی موجود بود،

خلاصه کلام اینکه سالها بود که در اصفهان قوه مجریه منحصر بود بقوه خیالیة بعضی اشخاص که اسم آنها موجب صداع و حمل بر فرض شخصی نگارنده است، دیگر بهیچوجه نه توپچی داشتیم نه سوار نه سرباز اما تفصیل فوج فریدن و چهار محال که دو فوج دیگر اصفهان و هر يك به نوبت دو سال مأمور فارس

بودند، وقایع نگاری چون فردوسی لازم است که تمام شرح آنرا نگارش دهد. رسیدل اختصار اینکه سه سال است جعفر قلی خان سرتیب در عوض هشتصد نفر سرباز دویت بجای نفر سرباز فریدنی برداشته بفارس رفته، تا ظلم و زور استبداد بود که هیچ حالا تقریباً یکسال است که متصل از انجمن های فارس و غیره تلگرافات می رسد که مأموریت این فوج تمام شده این عده قلیل هم از شدت زحمت فزونی و گرسنگی و بی برتاری و ظلم جعفر قلی خان که مرسوم بکف فوج را میگیرد، و این عده هم چیزی نمیدهد، از دست رفتند حازه جاره

انجمن ملی در این مدت در نهایت سختی از اویدی در حرکت فوج چهار محال را خواستگار و ثابت معلوم شد فوجی بجای نیست، اولاً بر سبیل متعارف ایران ذات آن در صحرائی عدم و ذات دیگر هم در این مدت دو سال فروخته شده و بیلی گرفته الحراج کرده اند، و ذات دیگر هم سه سال است دیناری نگرفته بامیدواری باسایس مندرس مشروطیت و برای معدلت قسمها خورده اند، که تا تمام حقوق خود را نگیریم حرکت نخواهیم نمود، بالاخره باز از طرف انجمن مندرس زحمت مرتب کردن این اداره از هم گسیخته و این امر مهم نیز در عهد جناب شیخ الاسلام و جناب حاج میرزا محمود واگذار نموده و معزی ایها مدتی هم خود را مصروف داشته آرام نگرفتند، تا اینکه بزحمت فوق العاده بمحمدافه نا حال آن اداره به ترتیب ذیل مرتب گردید.

تویخانه مبارکه فعلاً درای یکصد و شانزده نفر تویچی عمل کاری مشق کرده است، تمام حقوق آنها هم بدقت پرداخته شده، سواره فتنجیه هم آنچه بیکر شخصی بود سوار نوعی گردیده معدوم آنها هم موجود شدند، فعلاً یکصد نفر سوار هم روزه در میدان نقش جهان مشمول مشق و آمار مأموریت هستند، حقوق آنها هم تمام رسیده، اما فوج جلالی که امروزه محمود تمام بواج ایران شده و فی الواقع هم فوج یگانه است از هر جهت در نهایت محنت و عذاب آنها هزار نفر سرباز و صاحب منصب کامل حاضر هستند، و تمام آنها بدون استثناء بکنفر هم روزه بالباس رسمی و اسلحه معمولی حاضر و منتظر ارجاع خدمتند و حقوق آنها تمام پرداخته شده

اما فوج چهار محالی عاقبت الامر از یافشاریه فوق العاده، اعضاء انجمن و زحمت زیاد جناب شیخ الاسلام از محله های قدیمی سربازهای سابق که کار کرده و مشق دیده بود در شهر حاضر نموده حقوق سه چهار ساله آنها را در نزد هر که بود معاينه نموده، حقوق دستورالعملی آنها را با سه هزار واندی علاوه خرج آمد، دستورالعمل که جهت تدارک جیره ارض راه آنها منظور شده از اداره مالیه دریافت نموده، تمام وکال باها عاید داشته و میدارد، و تا امروز سه چهار دسنة آنها بطرف مأموریت حرکت نموده باقی هم مشغول گرفتن حقوق و حرکت هستند، که عده آنها هم بتوسط ارباب بصیرت جدیداً گرفته و باندک وقتی آنها را بصیر از علم مشق و جنگ نمودند.

بعد از اداره شدن امور معروضه ثلاثه دو اداره دیگر که یکی بطلمبه و دیگری بنده است بمحمدافه در اصفهان دائر، و اگر چه تا بحال بقلط مشق نموده، ولی بواسطه زحمت جناب و نایب الملک که واقع در نوع برستی بی اختیار است نسبت بسایر ولایات ممتاز است و يك اندازه تفاوت کلی در نرخ اجناس و نظم بلد بحال رعیت میسر نموده

جبهه اینکه بن شده جبارت نمود که انجمن ابائی و ولایتی ملک محروسه ایران از زحمت انجمن ولایتی اصفهان مسبوق شوند، و بد شد که اعضاء غیور آن تا چه اندازه در راه ملت زحمت کشیده و چه رخ برده تا بیک درجه ادارات به نظم و ترتیب رسیده و سایر انجمنها هم حقوق خود را بداند، و بفهمند که ملت آنها را برای دار انتخاب نموده و راه کار هم این است که اعضاء محترم انجمن ولایتی اصفهان پیش گرفته است

کشم ابوالحسن قلی راده

ترجمه از روزنامه صبح زود روسی

(نمره ۲۶)

مظفرالدین شاه عادل قایل زغان قبل از فوت خویش مکتوبی به پسر خود محمد علی شاه پادشاه حالیه نوشته، که مضمون مراسله مفیده مزبوره را نویسنده معروف ترقی (پرفسور و مبری) نقل مینماید و دیلاً ننگاشته میشود

پسر من ! آخرین ساعت زندگی من نزدیک شده است

امروز من در تخت سلطنت هستم و ممکن است فردا در مهد خلد استراحت کنم و سلطنت بدست تو خواهد افتاد

پسر من ! بدان که سلطنت را مات تسکین میدهد، خوشوقتی رعایای تو، خوشی سلطنت و ریج رعیت رح سلطنت است .

ملت ایران طبیعتاً متمدن است و از خواب طولانی بیدار شده . میخواهد بقوت شخصی خویش اصلاح حالت خود نماید در انهدام سلطنت مستبده، ملت ایران واضح و آشکار ساخت که قیمت زندگی خود را فهمیده است

ایرانی بی اندازه وطن خود را دوست میدارد، و در عالم قوتی یافت نمیشود که بر اطفاء شعله وطن برستی او قادر باشد . اگر زندگی من مختد میشد با غایت درجه بل خود طوشبختی و اصلاح حال ملت را مدافعه میکردم، ولی فعلاً آخرین نفس زندگانی من در رسیده، محظ باش پسر من در برقراری سلطنت مستبده و ضدیت خود را در مقابل ملت در مقام نحره برنیار

شاه مرحوم برای مات خود نیز کلمات دلی را بیاد کار نهاده است

ایرانیان با وفای من، شما باقی ماندگان ساسانیان قانع و مشهورید، و میدانید که پیشینیان شما سرمشق علم و تمدن و شجاعت بودند، اعمال آنها را پیروی کنید و بنام عالم بنمایید که شما هم از اخلاف آناید و قایلید که امور زندگی خود را مستتلا و بدون معاونت دیگران اداره نمایید . این است وصیتی که من قبل از مرگ بشا دارم

(مترجم)

در فرمایشات اعلیحضرت مرحوم مظفرالدین شاه نورالله مضجمه اگر بنظر غور و دقت ملاحظه شود مآهی درجه نصیحت و رویه ملک داری را بفرزند و الاگهر خویش نهوده . و ملت ایرانرا هم بقسمی در حفظ وطن مقدس ترغیب و تحریص فرموده که اگر از تمام نوع ایرانی فقط یکنفر در عالم باقی ماند

باکمال حد و جهد اجرای فرمایشات شاهنشاه مرحوم را باید بیوسته از فرائض ذمه خویش داند .

ای هم وطنان عزیز تاریخ گذشته مال قدیمه برای امور آتییه آهمترین سلق و نازیانه غیرت است . تاریخ ایرانرا از زمان (سیروس) کبیر تا عصر (نادر) در پیش چشم گذارید و تکالیف خودرا بدسیده باین ترتیب که ما در عرض این دو سال حرکت کرده ایم تمامش حرکت قهقرایی است هنوز یکقدم برای تمدن نزدیک نشده ایم . باکه اگر حیات نباید تا این ساعت فهمیده ایم سرورشته سعادت قومی چیست؟ و اگر فهمیده ایم پس چرا نتیجه نرسیده ایم؟ و چرا شهرهای مهمه ایران روز بروز مفلوش تر میشود؟ برای چه بر حسب تلگرافات خارجه در شهری مانند مشهد مقدس برای بیست و یک مکان و اداره جراید که روح مملکت و اولین وسیله سعادت است کنگاشها مینمایند؟ تف بر این وطن خواهی اف بر این مات برستی افسوس بر این دیانت شعاری

هزاران افسوس از آن استعداد طبیعی که قادر بچون در کاه های ما خالق فرموده و ما بواسطه سوء تربیت خود معدومش میسازیم . اغراض شخصی و قسبی در رک و بوسه ما جای گیر شده که دین و دنیای خود را برای یکشاهی منفعت شخصی میفروشیم خویشی فاسده در عروق ما بشکلی مانجمد است

که هیچ خنجر آبداری يك قطره آن را جاری نسازد اگر غیرت میداشتیم بعد ز تعدیات بی جای عثمانی بحال وطن خود و مقالات جراید خارجه در بی حقیق وی حسی ماناید زندگی را بر خود حرام کرده . نا آنکه بقوت عالمی و قوای نظامی و استعداد کامل داد خود را ازین دشمن دنی الطبع ناز ستانم ، خیال انتقام و مدافعه شرف در کله هر انسانی از امور طبیعی است . و هرکس که ازین حس بی بهره میباشد خوب است که اسم اسایات را هم از روی خود بردارد .

خیال انتقام ملی است که در عرض ۳۷ سال دولین فرانسه و آلمان بقدری بر قوای خود افزودند که امروز تمام عالم را دوچار وحشت ساخته اند . خود خواهی و تن بروری است که هر گوخطری وطن ما را برای خود طعمه قرار داده است

(اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا) ع ك طباطبائی

اعلان

تاریخ سرجان ملک مصور که نقشه ایران در است بطبع اعلی، کاغذ و خط اهم ر خوب، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود. کریسن لین، مازگام، بمبئی. نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی، و در اداره جبل المتین کلکته بقیمت دوازده روپه بفروش میرسد، جرت بست بر ذمه خریدار است بهر يك ز این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند، نقشه ایران نیز علیحده بقیمت دو روپه فروش میرسد

ایضاً

یومیة جبل المتین با مسلك و مشرب پانزده ساله خود در طهران اشاعت می شود، هرکس در هندوستان طالب باشد در کلکته اداره جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به (طهران - خیابان لاله زار - اداره یومیة جبل المتین رجوع نماید. قیمت سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است

اعلان

جلد دوم ابراهیم یک که افراد مات را بهترین بازیای غیرت در حب وطن است با کاغذی بسیار اعلی، طبعی خیلی خوب در سبند و بست و پنج صفحه مطبع جلد اول کتاب موصوف برایی فروش در داره موجود است، این کتاب گویا لازم معرفی نباشد، همین قدر کافی است که نگوییم این جلد از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است، هرکس جلد اول او را ملاحظه نموده از مذاق مؤلف و سیاق کلام و خیالات عالیة آن بخوبی واقف است، که در زبان فارسی کتابی باین سبک و سیاق نوشته شده، قیمت چهار روپیه، اجرت بست بر ذمه خریدار است

معدرت مخصوص

کثرت مشغله و وضع گرفتاری اعضای این اداره

ملی خصوصاً این خادم اسلامیت بر احدی پوشیده نیست، طعوط و راحه اداره را اعضای در جواب و تمویل فرمایشات کوناهی نداشته و ندارند ولی در مراسلاتیکه راجع به شخص بنده و خلوص باید متصدی جواب شوم هرگاه اندکی تعویق افتد امید عنو و اشأ الله حمل بر امر دیگر نخواهند نمود (مؤبدالاسلام)

(میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون که بوضع شاهنامه نگاشته شده، و دارای ۵۸ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده هرکس خواستگار باشد با اداره جبل المتین کلکته رجوع نماید قیمت در هندوستان سه روپیه، ایران يك تومان، اجرت بست بر ذمه خریدار است

معاونین و مؤیدین اداره جبل المتین

ملاحظه نمایند

یومیة جبل المتین که در طهران اشاعت می شود در سال دوم اوراقش ضاعف خواهد شد، و معاونین اداره راست که بذل توجه بدان طرف هم فرمایند برای اطمینان آنان عرض می نمایم که این دو اداره راجع با و مسلك هر دو يك است، نهایت آنکه اقتضای وقت برای آن شعبه بوضعی و برای این شعبه بوضع دیگر است و متصدی امور آن اداره نیابتاً گرامی برادر ما میباشد که سالها او را امتحان و تجربه نموده ایم، لذا با کمال اطمینان و بدون دغرفه خواطر معارین قاضی این اداره ملی میتوانند رجوع بشعبه یومیة جبل المتین در طهران نموده همه قسم بخاربه و مراسله نمایند، و باین بدانند چنانچه این اداره حافظ اسرار است او نیز خواهد بود و در نگارشاتشانهم بهر قسم دستور العمل بدهند رفتار خواهد شد،

در مقالات و لوحی که با اداره یومیة طهران می فرستند دو نکته را مراعات نمایند، اول اقتضای وقت و نیز آزادی قلم را در طهران ملاحظه کنند دیگر اختصار در مقالات که در يك شماره گنجایش درج آن باشد، و با مقالات را نوعی بنویسند که قابل تجزیه باشد (مؤبدالاسلام)

مکتوب يك از مشاهير افغانستان

ای برادرش با غیرت ای رعایای دولین عزیزین اسلامی (ایرانی و عثمانی) بنده نگارنده یکفردم از افراد مملکت افغانستان که از علوم و فنون جدیده هیچ بهره ندارم، بلکه این نیکبختی را در هیچیک از افراد خود نمی بینم، و هیچ کدام آنچه لایق و لازم مملکت داری است نمیدانم، با وجود بن جبهالت و بی علمی هرگاه از روی انصاف تعقل و تفکر شود مملکت ما و مات افغان بهتر از شاهای ایران و عثمانی میباشد، بواسطه اینکه هیچ کدام از دولین حرایس طماع همسایه جرات یکقدم پیشقدمی در خاک ندارند، شاهان ایران و عثمانی مستبد، و رعایای تمدن و ترقی برویشان بار است، و همه افرادمان نزدیک است معنی حریت و مساوات و اتحاد و اخوت اسلامی را بدانند، چرا در استیلاص مملکت وارد مع مقام خود که هر یک از دول اجانب حصراً برده اند مثل قفقاز و مصر و غیرها که نازم در تقسیم و تسهم اند اقدامی نمیکند؟ دشمن حقیقی خود را ندانسته سر بجان هم کرده اند، حسارت کنیم (قوی) شده بالای مادر خود میروند، می متصل در افول ستاره بل خورشید اسلام می کوشید، بخدا قسم است معنی مساوات و عالم موافق زمان بودن غیر ازین است، این رفتار همه از جهالت و بی مغزی است که خود را بخود مشغول ساخته اند، ای مردان نامی اسلام قدری جد و جهد نماید و دره بخود آید، جهالت از خود و دنات از مملکت اسلام دور فرمائید ورنه علم و دانائی شما هیچ فایده ندارد، و این بی علمی و جهالت ما بدرجه شتی از شما بهتر است، آیا چه شده با وجود این همه عالم و گذر مای سودمند سیاسیین هیچ اثری در شما نمی کند؟ یا اینکه در این دو دوات اسلامی هیچ صاحب غیرت و جوان مرد یافت نمی شود؟ پس کدام اقدام در اسداد بلایای مملکت شده، نه بلکه هر چه شده بر عکس بوده، باید دانست که هلوز طرفان بلاه زیاده از آن است که بود، برای منفعه خود و نقصان شما هر آن همسایگان قدم میزنند، و گرفتاری شما را با هم منقسم می شمارند، پس چرا ما وجود دانستی خودتان مرد اصلاح نمی شوید

(سید جوهر شاه افغان پیشخدمت)

(اعلیحضرت پادشاه افغانستان)

ترجمه از روزنامه (لارفورم) منطبعة

از میر مورخه ۱۹ فوریه سنه ۱۹۰۸ مسیحی

(ایرانیان)

افراد ایرانیان مقیمین شهر ما در ۱۲ محرم در مسجد خود شان جمع شده بانطق آراء تشکرات خود را نسبت بجناب فتح الله خان جنرال فوسول ایران بیان کردند، و از خدمات بلا نظیره که نماینده اعلیحضرت شاه از روز ورودش بازمیر تا کنون برای ترقی اتباع ایرانی کرده و عساکر آنیکه بجهت پیشرفت تأسیسات ایرانی بعمل آورده مذاکره نمودند، منعاقب این اخلاق آراء لایحه تنظیم و امضا نموده و هیئتی در میان معتبرین انتخاب کرده پیش جناب فتح الله خان فرستادند و آنها نیز شفاهاً مراتب احساسات ایرانیان از میر را نسبت بجنرال فوسول شایسته خود شان بیان کردند

سواد تشکرنامه ایرانیان مقیمین از میر

بعرض عالی میسرانیم، چون در این مدت دو سال که آن یکاه مأمور وطن پرست دولنخواه بازمیر تعیین شده اند بسط ساط عدالت نموده و در حفظ حقوق این دعاگویان دقیقه آرام نداشته و همیشه با کمال مهربانی و رأفت با این دعاگویان رفتار فرموده و همه قسم اسباب آسودگی و رفاه ایشان را فراهم آورده اند، و مدت یکسال میبرد که با زحمات کابره بتأسیس دبستان دانش ایرانیان که موجب سرمانندی عموم اتباع دوات علیه است متوفیق شده اند

لهذا محض انبات حق شناسی و قدر دانی ایرانیان تمام اتباع دوات علیه مقیمین از میر جمع شده این تشکرنامه را که برضائات و احساسات قلبیه این دعاگویان را نسبت بجناب عالی دلیل کافی تواند شد تنظیم کرده تقدیم خدمت میبایم و مراتب تشکرات خود مانرا بعرض مجلس مقدس ملی و وزارت جلیله خارجه و سفارت کبری نیز رسانده ایم، و از خداوند مسنت میبایم که جناب عالی را همیشه در خدمت بدولت و مات موفق فرموده و امثال شما را زیاد فرماید

(معروضاً فی ۱۳ شهر محرم الحرام ۱۳۲۶)

(جبل المتین)

چون صحیحی تجار محترم که درین ورقه عکسی